جامعه شناسی



اصلاح در روابط اجتماعی ره‌آورد ظهور منجی

اسماعیل چراغی کوتیانی*

چکیده

انسان موجودی اجتماعی است که در پیوند با اجتماع زندگی می‌کند. هم از جامعه تأثیر می‌پذیرد و هم در جامعهٔ پیرامون خود تأثیر می‌گذارد. روابط اجتماعی، نقطهٔ پیوند انسان با جامعه است. بنابر روایات اسلامی در روزگار پیش از ظهور امام مهدی ، روابط اجتماعی ازهم گسیخته خواهد شد و زندگی اجتماعی بشر با چالش روبه‌رو خواهد بود. گسست در روابط اجتماعی، کم‌فروغ شدن عواطف انسانی، شیوع کج‌روی‌های اجتماعی و ورود انگیزه‌های غیرانسانی در روابط اجتماعی، نمای پیدای جامعهٔ انسانی در آن روزگار خواهد بود.

اما براساس آموزه‌های دینی، در واپسین سال‌های هستی و با ظهور امام مهدی تحوّلی اصلاح‌گرایانه در زندگی بشر ایجاد خواهد شد. در عصر ظهور امام زمان نمای روشن روابط اجتماعی به گونه‌ای شکل خواهد گرفت که فراهم آورنده منافع دنیوی و اخروی انسان خواهد بود؛ هم‌بستگی اجتماعی شکل می‌گیرد، عواطف انسانی تقویت می‌شود، انگیزه‌ها انسانی و الهی می‌شود و کج‌روی‌های اجتماعی به چالش کشیده خواهد شد.

واژگان کلیدی

اصلاح روابط اجتماعی، هم‌بستگی اجتماعی، عواطف انسانی، کج‌روی اجتماعی.

مقدمه

اندیشــه‌ورزان بزرگ انســان را موجودی اجتماعی می‌دانند که برای استمرار زندگانی خود ناگزیر از هم‌زیســتی با انســان‌های دیگر اســت. افزون بر ایــن، زندگی اجتماعی و روابط انســانی به هویت و شــخصیت افراد شکل داده و بســتری مناسب برای شکوفایی استعدادهای انسانی را فراهم می‌آورد. گرچه آدمی تنها به دنیا می‌آید و تنها از دنیا می‌رود، در این دنیا بی‌گمان در ارتباط با دیگران زندگی می‌کند. بنابراین، بزرگ‌ترین فصل کتاب زندگی او «رابطه با دیگران» اســت و در همین بخش ممکن اســت ارزش‌های زیادی را خلق کند و پاس بدارد و یا نماهایی زشت و ناپسند از اجتماع انسان‌ها به نمایش گذارد.

آدمی در رابطه با دیگران تصمیم می‌گیرد، حرف می‌زند و اقدام می‌کند. داد و ســتد و واکنش و موضع‌گیری او در برابر دیگران بخش زیادی از روابط او را تشکیل می‌دهد. اگر این بخش از زندگی آدمی مســیری درست و پسندیده یابد، بسیاری از ارزش‌های الهی و انســانی به تحقق پیوسته اســت. صداقت، امانت‌داری، ایثار، سخاوت، گذشت، حسن ظن و اعتمــاد به دیگران، تعاون، نصیحت و خیرخواهی و ده‌ها فضیلت دیگر در همین عرصه خود را نشــان می‌دهــد. با آمدن این فضیلت‌هــا به عرصهٔ روابط اجتماعــی، جایی برای نفــاق، خیانت، تنگ‌نظری، خودخواهی، انتقام، بددلی، بدگمانی، خودمحوری و ســوء نیت نمی‌ماند.

از ســوی دیگــر، با صنعتی شــدن جوامع و پیش‌رفت دســت‌آوردهای فنی انســان و افزایش هرچه بیشتر تحرک اجتماعی، روابط اجتماعی انسان‌ها کم‌رنگ‌تر می‌شود. روابط اجتماعی انســان‌ها که در گذشــته مبتنی بر ارتباط چهره به چهره و صمیمانه، پیوندهای عاطفی نیرومند و پایدار بوده، امروزه به روابطی رســمی، ســرد و مبتنی بر ســودجویی و افزون‌خواهی و به دور از اخلاق انســانی تبدیل شــده است که این خود سبب‌ساز اخلال بیشتر در این روابط شده است.

بنابر روایاتی که پیشــوایان دینی فرموده‌اند، در واپســین ســال‌های دنیا روی‌دادهایی اتفاق خواهد افتاد که از آن جمله ظهور و بروز رفتارهایی در ســطح جامعهٔ انســانی و در ســاحت روابط اجتماعی اســت. آن رفتارها جامعهٔ انســانی را به نوعی ازهم گسیختگی و هرج‌ومرج دچار خواهد ســاخت، به گونه‌ای که انســان‌ها از درنده‌خویی هم‌نوعان خویش به ســتوه می‌آیند و آرزوی مرگ می‌کنند.[1] البته در این روایات به انسان‌ها مژده داده شده که در فرجامین سال‌های دنیا مردی از خاندان پیامبر اسلام □ ظهور خواهد کرد و به انقلاب و اصلاحاتی بزرگ دســت خواهد زد. گسترهٔ اصلاحات او همهٔ ابعاد حیات انسانی را فرا خواهد گرفت؛ از اقتصاد تا سیاســت و از فرهنگ تا اجتماع. از جمله این اصلاحات، اصلاح در روابط اجتماعی انسان‌هاست.

ایــن نوشــتار به چگونگــی روابط اجتماعــی در عصر پیش از ظهور اشــاره کرده و به اصلاحاتی می‌پردازد که در زمان ظهور به دســت حضرت مهدی □ در این ســاحت از زندگی اجتماعی انسان‌ها صورت خواهد پذیرفت.

بنابر روایاتی که پیشوایان دینی فرموده‌اند، در واپسین سال‌های دنیا روی‌دادهایی اتفاق خواهد افتاد که از آن جمله ظهور و بروز رفتارهایی در سطح جامعهٔ انسانی و در ساحت روابط اجتماعی است. آن رفتارها جامعهٔ انسانی را به نوعی ازهم گسیختگی و هرج‌ومرج دچار خواهد ساخت، به گونه‌ای که انسان‌ها از درنده‌خویی هم‌نوعان خویش به ستوه می‌آیند و آرزوی مرگ می‌کنند

ضرورت و اهداف بحث از اصلاحات در حکومت حضرت

به راستی چه ضرورتی دارد که به بحث از اصلاحات در عصر حضور امام زمان □ پرداخته شود؟ چه انگیزه‌ای باعث می‌شود که ذهن و فکر خود را به این مسئله معطوف بداریم؟ در پاسخ به این پرسش‌ها به چند عامل مهم، اشاره می‌کنیم:

یکم. بی‌شک ظهور حکومت حضرت، ویژگی‌ها و پی‌آمدهایی دارد که اگرچه تمام آن در لابه‌لای آموزه‌های دینی بیان شده است و برخی از آنها نیز در عصر رسالت و عصر زمامداری امیرمومنان □ مشاهده می‌شود، ظهور روشن آنها در جامعه موعود تحقق خواهد یافت. شناخت این ویژگی‌ها از نظر عقیده و ایمان و معرفت امام □ دارای اهمیت است؛ زیرا روایت شده است:

> هرکسی بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.[۲]

دوم. از نظر اسلام‌شناسی و شناخت نوع حکومت و چگونگی و اهداف حکومت در اسلام و ولایت حاکم و مسائل دیگر آگاهی روشنی به ذهن‌های پرسش‌گر ارائه می‌دهد.

سوم. جامعهٔ اصلاح شدهٔ مهدوی، جامعه و نظام کامل و نمونه اسلامی است و الگو و معیار برای جوامع دیگر برای دست‌یابی به الگوی توسعه مادی و معنوی است. شناخت این جامعه برای تعیین جهت و سمتی که جوامع باید به سوی آن داشته باشند، مفید است.

چهارم. شناخت ویژگی‌های آن جامعهٔ موعود، منتظران را امیدوار کرده و به تلاش و کوشش برای رسیدن به آن ترغیب و تشویق می‌کند.

پنجم. شناخت این جامعه به استقامت فکر، اخلاق و رفتار انسان کمک می‌کند. روایات آن را اوج کمال بشری و نظام عدل الهی معرفی کرده‌اند. هرکس به آن معتقد است، باید به سوی آن گام بردارد و ویژگی‌های آن را در خود و جامعه متجلی سازد. باید فاصلهٔ بسیار خود را با آن کم کرد و با تلاش به آن نزدیک شد. باید اخلاق و اعمالی را که با عضویت در چنان جامعه‌ای سازگار نیست و صاحب آنها از آن جامعه مطرود است، ترک کرد و خود را برای پذیرش و زندگی در چنین جامعه‌ای آماده ساخت.

اصلاح

اصلاح در لغت به معنایِ به سامان آوردن، سر و سامان دادن، آراستن، سازش دادن، نیکو کردن، آمده است.[۳] در مواردی که به معنای سازش دادن به کار می‌رود هم در اصل به معنای سر و سامان دادن و درست کردن خرابی میان دو متخاصم است. اصلاح در اصطلاح قرآنی به معنایی چون آشتی دادن مردم از هم جدا شده،[۴] از میان برداشتن تباهی و نادرستی در محیط اجتماعی[۵] به کار رفته است. در سنّت نبوی نیز به پیروی از قرآن در همین معانی استفاده شده است.[۶] این واژه در مقابل افساد است که به معنای ایجاد نابسامانی است. اصلاح و افساد از زوج‌های متضاد قرآنی است که بارها در قرآن مطرح شده‌اند. منظور از زوج‌های متضاد، آن واژه‌های اعتقادی و اجتماعی است که دو به دو در برابر یک‌دیگر قرار گرفته‌اند و به کمک یک‌دیگر بهتر شناخته می‌شوند، مانند: توحید و شرک، ایمان و کفر، هدایت و ضلالت، عدل و ظلم، خیر و شر، اطاعت و معصیت. برخی از این زوج‌های متضاد، از آن جهت در کنار یک‌دیگر مطرح می‌شوند که یکی با نفی و طرد دیگری جامهٔ تحقق می‌پوشد؛ اصلاح و افساد از این قبیلند.[۷] موارد استعمال اصلاح در قرآن نیز به سطحی خاص اشاره ندارد، بلکه گاه به رابطهٔ میان دو فرد (سطح خرد) و گاهی محیط خانوادگی (سطح میانه) و گاه نیز محیط بزرگ اجتماعی (سطح کلان) توجه دارد. از این رو، در قرآن همان‌گونه که به سامان بخشیدن به روابط فردی توجه شده، به اصلاح در روابط خانوادگی و نیز روابط اجتماعی انسان‌ها نیز عنایت شده است.

گفتنی است که مفاهیم صلاح و فساد دارای بار ارزشی هستند، بدین معنا که تعریف آنها جز با توجه به مبانی ارزشی هر جامعه امکان نمی‌پذیرد. از این رو، به صرف نیکوشمردن اصلاح و ناپسند تلقی کردن افساد، نمی‌توان به مصادیق آنها دست یافت، بلکه نخست باید اهداف و ارزش‌های مطلوب هر جامعه را درنظر گرفت و در راستای آن مصادیق صلاح و فساد را معرفی نمود. در چنین نگرشی، حرکت به سوی هدف‌های مطلوب و مورد پذیرش جامعه، اصلاح شمرده می‌شود، خواه آن حرکت به تدریج و آرام و خواه به صورت جهشی و ناگهانی تحقق پذیرد، هرچند در اصطلاح، تنها به حرکت نوع اوّل، اصلاح اطلاق می‌شود و حرکت نوع دوم را انقلاب می‌نامند.[۸]

جایگاه اصلاح‌طلبی در اسلام

اصلاح‌طلبی، از ضروری‌ترین و روشن‌ترین آموزه‌های اسلامی است که به صورت تکلیفی فردی و اجتماعی تبیین شده است و گسترهٔ آن هم مسائل فردی و اصلاح میان افراد و هم سامان بخشیدن به روابط خانوادگی و نیز اصلاحات کلان اجتماعی را دربر می‌گیرد. اصلاحات اسلامی در مسائل اجتماعی نیز همهٔ ساحت‌های جامعه را فرا می‌گیرد؛ از محیط زیست و مسائل زندگی مردم و شهرها تا مسائل فرهنگی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی و مانند آن، همه در محورهای اصلاحی اسلام نهفته است. از نظر انسان دینی، هیچ پدیده یا روی‌دادی و یا فرد و گروهی، از قلمرو اصلاحات بیرون نیست؛ زیرا تعهد دینی و مسئولیت‌های الهی، انسان دین‌باور را برمی‌انگیزاند تا برای سامان بخشیدن به همهٔ ساحت‌های حیات انسانی، تلاش کند و برای زدودن هر نابسامانی، ناهنجاری، واپس‌گرایی و تباهی و فساد بکوشد.[9] به عبارت دیگر، گرایش به اصلاح و اصلاح‌طلبی مشی اسلامی است و هر مسلمانی به حکم این‌که مسلمان است، خواه ناخواه اصلاح‌طلب است و یا حداقل طرف‌دار اصلاح‌طلبی است. امام سجاد □ تلاش برای اصلاح را از جمله حقوق جامعه بر فرد دانسته‌اند:

> و حقّ اهل ملّتک... تألّفهم و استصلاحهم؛[10]
>
> و حق هم‌کیشانت این است که... با آنها انس گیری و به دنبال اصلاح آنها باشی.

اصلاح‌طلبی در اسلام به منزلهٔ شأن و نقش پیامبری مطرح شده است. از این رو، اصلاح‌طلبی در منظومه معرفتی اسلام جایگاهی ویژه دارد. در این نگاه کسانی مصلح شمرده شده‌اند که به سمت عملی ساختن محورهای کمال گام برداشته‌اند؛ محورهایی که والاترین آنها، معرفت به خداوند است. بدین جهت، قرآن کریم پیامبران را الگوی کامل اصلاح‌طلبان واقعی معرفی کرده است، چنان‌که از زبان حضرت شعیب چنین گزارش می‌دهد:

> □إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ□؛[11]
>
> مـن قصدی جز اصلاح [جامعه] تا آن‌جا که بتوانم، ندارم و توفیق من جز به [یاری] خدا نیست. بر او توکّل کرده‌ام و به سوی او بازمی‌گردم.

انبیای الهی در مقام دعوت و ارشاد جوامع خود، مردم را به اصلاح دعوت و از افساد برحذر می‌داشته‌اند. خطاب‌های چون□وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا□[12] و □وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ□[13] و مانند آن[14] گویای این مطلب است که در دعوت انبیا، اصلاح و افساد نقشی اساسی داشته است و در مقابل، قرآن ادعای اصلاح‌طلبی منافقان را به شدّت نکوهش کرده و آنان را نه کوشای برای اصلاح که جویای فساد معرفی کرده است.

> □وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَاتُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ * أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَايَشْعُرُونَ□؛[15]

از نظر انسان دینی، هیچ پدیده یا روی‌دادی و یا فرد و گروهی، از قلمرو اصلاحات بیرون نیست؛ زیرا تعهد دینی و مسئولیت‌های الهی، انسان دین‌باور را برمی‌انگیزاند تا برای سامان بخشیدن به همهٔ ساحت‌های حیات انسانی، تلاش کند و برای زدودن هر نابسامانی، ناهنجاری، واپس‌گرایی و تباهی و فساد بکوشد

و چـون به آنـان گفته شـود: «در زمین فسـاد مکنید»، می‌گویند: «ما خود اصلاح‌گریم.» به هوش باشید که آنان فسادگرانند، لیکن نمی‌فهمند.

گفتنی اسـت صلاح و فساد باهم هیچ‌گونه سـازگاری ندارند؛ در هر بخشـی که فساد و نابسـامانی وجود داشته باشد، صلاح و بسـامانی امـکان حضور و بروز نخواهد داشـت. از این رو، دعوت به اصلاح‌گری در اسـلام در کنار مبارزه با مفاسـد قرار می‌گیرد. همواره امـر به معروف در آموزه‌های دینـی در کنار نهی از منکر طرح می‌شود. این مسـئله گویای این معناست که همیشه مبارزه با فسـاد و نابسامانی پیش شـرط اجرای هر گونه اصلاحات است. حضرت علی □ در این خصوص می‌فرمایند:

لایحمل الناس علی الحقّ الّا من ورّعهم عن الباطل؛[۱۶]
مردمان را نمی‌تواند بر عمل به حق وادارد مگر کسی که آنان را از باطل (نادرستی‌ها) پرهیز دهد.

روابط اجتماعی

غالب اندیشـه‌ورزان، انسـان را موجودی اجتماعی دانسـته‌اند کـه بدون حضور و ظهور در جمع نمی‌تواند گوهر انسـانی خود را بروز دهد و شـکوفا نماید. بدون شـک انسان‌ها در همهٔ جوامع به گونه‌هـای مختلف با هم در ارتباط هسـتند. ایـن کنش متقابل یا رابطـه دوجانبه برای زندگی اجتماعـی از اهمیت انکارناپذیری در حیات انسـانی برخوردار اسـت، به گونه‌ای که بـدون آن هم فرد خواهـد پژمرد و هم گروه و هم جامعه. جامعه‌شناسـان واژهٔ رابطه «relation» را در معنـای عـام آن، کـه ناظر بـر ارتباط میان اشـخاص یا گروه‌هاسـت، به کار می‌برند. در ایـن معنا، رابطه به روابط خانوادگی یا خویشـاوندی محدود نیسـت، بلکه شامل همهٔ روابطی اسـت که در مدارس، مساجد، کارخانه‌ها، احزاب سیاسی و باشگاه‌های ورزشی و به طور کلی در همه انواع گروه‌های نخستین و دومیـن وجود دارد.[۱۷] بر این اسـاس، روابط اجتماعی به هرگونه کنش متقابل و ارتباط دوجانبه یا چندجانبه‌ای که بین انسـان‌ها در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی وجود دارد، اطلاق می‌شـود. این‌گونه روابط در سه شکل ظهور و بروز خارجی پیدا می‌کنند:

یکـم. رابطه از گذر پایگاه اجتماعی: ایـن نوع روابط به ارتباط موقعیت‌های اجتماعی ناظر اسـت و آن موقعیت نسبی پایگاه‌های اجتماعی افراد در مقایسـه با یک‌دیگر است. مثل رابطهٔ کارفرما با کارگر، رابطهٔ رئیس با زیردستان و مانند آن.

دوم. رابطه از گذر نقش اجتماعی: این نوع روابط به کنش‌های متقابل کارکردی نظر دارد که وقتی به وجود می‌آیند که اشـخاص با هم نقش‌های اجتماعی‌شـان را ایفـا می‌کنند. برای مثال، رفتار دوجانبهٔ زن و شـوهر، پدر و مادر، پـدر و فرزند و مادر و فرزند، در عرصهٔ خانواده از این دسته‌اند.

سـوم. رابطه از گذر فرآیندهای اجتماعی: فرآیندهای اجتماعی از تعـداد محدودی صورت‌های اصلـی و نوعی کنش‌های متقابل اجتماعی تشکیل می‌شوند که از گذر انبوهی از نقش‌های اجتماعی اشخاص بروز می‌یابند. فرآیند اجتماعی چیزی بیش از ارتباط میان دو پایـگاه یـا دو نقش اجتماعی اسـت. در زبان جامعه‌شـناختی، فرآیندهـای پایـه عبارتند از هـم‌کاری، هم‌سـازی، مانندگردی، تعـارض، مخالفت و رقابت. وقتی دو شـخص بـا هم هم‌کاری یا مبـارزه می‌کنند، در فرآیندی اجتماعی عمـل می‌کنند که از یک طرف، چیزی بیش از روابط پایگاه‌هایشـان است و از طرف دیگر، چیزی بیش از نقش‌هایشان.[۱۸]

روابط اجتماعی پیش از ظهور

روایـات دینی بـه ما گـزارش داده‌اند که روابـط اجتماعی در واپسین سـال‌های پیش از ظهور امام زمان □ شکل ویژه‌ای به خود خواهند گرفت. سـمت و سوی جریان روابط در آن روزگار به گونه‌ای اسـت که افزون بر تأمیـن نکردن منافع و مصالح اخروی انسان‌ها با منافع زندگی دنیایی و اجتماعی انسان نیز ناسازگار است و زندگی بشر را به سویی راه می‌برد که جز گسست و ناپایداری و سرانجام نیسـتی و زوال جامعه را به دنبال نخواهد داشت. در این زمینه شـاخصه‌هایی از روابط اجتماعی در روزگار پیش از ظهور و ناهنجاری‌های ناشی از آن درپی می‌آید.

الف) گسست اجتماعی

جامعه‌شناسان، هم‌بستگی و انسـجام اجتماعی را برای پایایی و پویایی سـازمان اجتماعی، ضرورتی انکارناپذیر دانسته‌اند. روشن اسـت که گسسـت بین گروه‌های اجتماعی و آحاد اعضای جامعه و وجود تفرقه و جدایی میان آنها به اسـتواری و پیش‌رفت جامعه

آسیب رسانده و زمینهٔ زوال و اضمحلال آن را به سرعت فراهم می‌آورد.

هم‌بستگی اجتماعی به معنای وحدت و اشتراک در ارزش‌ها، افکار، احساسات و رفتارهاست. در شرایط وفاق و وجود هم‌بستگی اجتماعی بین افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی سبب پدید آمدن حسی همانند و نزدیک به هم می‌شود و پیوندهای عاطفی و دل‌مشغولی‌های مشترک آنها را به یک‌دیگر پیوند می‌دهد. هم‌بستگی اجتماعی را در سطوح مختلف درون‌گروهی و بین‌گروهی می‌توان بررسی کرد. به طور قطع در عرصهٔ گروه، به دلیل نوع رابطه بین اعضا و آگاهی افراد به نمادهای آن و حسّ تعلّق گروهی که به رفتار جمعی نیز می‌انجامد، با هم‌بستگی، هم‌نوایی و هم‌دلی عمیق‌تری مواجه خواهیم بود. در این حالت، حس وظیفه‌شناسی و مسئولیت متقابل در برابر اعضا از یک سو و تطابق و هم‌نوایی با عناصر وحدت‌بخش گروهی از سویی دیگر افزایش می‌یابد.[۱۹]

روایات اسلامی در گزارش خود از عصر پیش از ظهور به وجود گسست اجتماعی در بین افراد و گروه‌های اجتماعی اذعان می‌کند. بنابر روایات مردم و اجتماعات پیش از ظهور در آتش تفرقه و جدایی خواهند سوخت و بشر یک‌دل و یک‌سو نخواهد بود و همواره اکثریت جامعه در اندیشه و عمل با یک‌دیگر در تضاد، تنش و ناسازگاری خواهد بود. حتی در جوامع اسلامی نیز به سبب اختلاف افکار و برداشت‌های متفاوت از دین، تضادهایی فروان پدید می‌آید. صورت غالب در این جوامع انسجام ظاهری و گسست و جدایی درونی و واقعی است. به عبارت صریح‌تر باید گفت جامعهٔ پیش از ظهور جامعهٔ هم‌بسته و منسجم و هم‌گرا نیست؛ در ظاهر استوار و آراسته‌اند و به حیات خود ادامه می‌دهند، اما در باطن و زیربنای جامعه ازهم‌پاشیده و متزلزل است. نوع مردم در جوامع پیش از ظهور به جای هم‌یاری و هم‌فکری به کوبیدن یک‌دیگر مشغول می‌گردند و به نابودی هم‌دیگر کمر همت می‌بندند. امیرمؤمنان علی □ در توصیف جامعهٔ گسل‌خورده و از هم‌گسیخته پیش از ظهور می‌فرمایند:

> **و أسفاً من فعلات شیعتنا من بعد قرب مودّتها الیوم کیف یستذلّ بعدی بعضها بعضاً و کیف یقتل بعضها بعضاً... کل حزب منهم أخذ منه بغصن أینما مال الغصن مال معه؛**[۲۰]
>
> ای افسوس از رفتار شیعیان ما، پس از امروز که این‌گونه به هم دوستی نزدیک دارند؛ چگونه پس از من برخی از آنان، برخی دیگر را خوار سازند و بعضی برخی دیگر را می‌کشند... هر دسته و گروه از آنان به شاخه‌ای درمی‌آویزند و به هر سوی که شاخه بچرخد، آنان نیز می‌چرخند.

در برخی روایات دیگر از امام حسین □ چنین آمده است:

> **لایکون الأمر الذی تنتظرونه حتّی یبرأ بعضکم من بعض و یتفل بعضکم فی وجوه بعض و یشهد بعضکم علی بعض بالکفر و یلعن بعضکم بعضاً؛**[۲۱]
>
> امری (ظهور) را که انتظارش را دارید، تحقق نخواهد یافت تا آن هنگام که از

هم‌بستگی اجتماعی به معنای وحدت و اشتراک در ارزش‌ها، افکار، احساسات و رفتارهاست. در شرایط وفاق و وجود هم‌بستگی اجتماعی بین افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی سبب پدید آمدن حسی همانند و نزدیک به هم می‌شود و پیوندهای عاطفی و دل‌مشغولی‌های مشترک آنها را به یک‌دیگر پیوند می‌دهد

یک‌دیگــر بی‌زاری جویید و آب دهان به روی یک‌دیگر بیندازید و برخی از شــما برخی دیگر را کافر خوانند و برخی، برخی دیگر را لعنت کنند.

امام باقر □ نیز تیرگــی روابط اجتماعی و کنش‌های ناهنجار در جوامع پیش از ظهور را این‌گونه توصیف می‌کنند:

لا یقــوم القائــم إلا علــی خــوف شــدید مــن النــاس و زلــزال و فتنــة و بلا یصیب الناس... و اختلاف شــدید فی الناس و تشــتت فــی دینهم و تغییر فــی حالهم حتی یتمنــی المتمنی الموت صباحاً و مســاءاً من عظم ما یری من کلب الناس و أکلهم بعضهم بعضاً؛[۲۲]

قائم قیام نمی‌کند مگر زمانی که ترســی شــدید و زلزله و فتنه و بلایی بر مردم عارض شــود... . زمانی که مردم دچار اختلاف شــدیدی شوند و در دینشان پراکندگی و در حالشان دگرگونی ایجاد شود، به گونه‌ای که شخص صبح و شام آرزوی مرگ می‌کند از درنده‌خویی مردم.

این روایات، ســازمان اجتماعی جامعه پیش از ظهور را گزارش می‌دهنــد؛ جامعه‌ای که به تشــتّت و پراکندگی فکری و کنشــی دچــار اســت و روابط اجتماعــی در آن از هم گســیخته و اتحاد و یک‌پارچگــی در آن جای خــود را به تفرقه و جدایی داده اســت. براســاس این گزارش‌ها درجوامع پیش از ظهور، گسست اجتماعی و تیرگــی روابط اجتماعی به گونه‌ای در لایه‌های ســازمان جامعه رسوخ می‌کند که افراد تابِ تحمل یک‌دیگر را از دست می‌دهند و رفتارهایی از خود بروز می‌دهند که شایستهٔ شهروند جامعهٔ انسانی و اســلامی نیست. دوری‌گزیدن از یک‌دیگر، لعن و تکفیر هم‌دیگر و اختلاف شــدید در گفتار، رفتار و پندار به منزلهٔ الگویی کنشی در جامعه بــرای خود جای باز می‌کند و اصل حاکم بر رفتارها خواهد بود. شــاید علت عمدهٔ گسست در ســازمان جوامع پیش از ظهور فقدان جهان‌بینی واحد و ارزش‌های ثابت باشد که پذیرفتهٔ همگان است؛ زیرا براساس روایات دینی، جهان‌بینی، آموزه‌ها و ارزش‌های اســلامی از جوامع پیش از ظهور رخت برخواهدبســت و اسلام به غربت پیشین خود در زمان جاهلیت بازخواهدگشت.[۲۳]

ب) کم‌فروغ شدن عواطف انسانی

از معیارهای مهم برای تشــخیص جامعه انســانی از گونه‌های دیگر اجتماعی زیســتن در میان موجودات دیگر، وجود پیوندهای عمیق و عواطف سرشار انســانی است. مراد از عواطف، میل‌هایی اســت که در رابطه با انســان دیگر به هم می‌رســد، مثل عاطفهٔ پــدر و مادر به فرزنــدان و بالعکس و یا کشــش‌های گوناگون ما به انســان‌های دیگر. از سوی دیگر، شــاخص یک رابطهٔ انسانی، شکل‌گیری آن براساس حق، عدالت و ارزش‌های انسانی است. در جوامعی که پیوند میان انســان‌ها با محوریت این ســه اصل شکل نگرفته باشد، رابطهٔ انســانی به معنای دقیق کلمه به وجود نیامده اســت که در اصطلاح به آن روابط انســانی ازهم‌گسیخته اطلاق می‌کنند. گســیختن پیوندهای انسانی از پدیده‌های ویران‌گر پیش از ظهور اســت. در این برهه از زمان، پیوندهای اجتماعی بر محور حق و عدالت و ارزش‌های انســانی نمی‌چرخد، بلکه ضابطه در این پیوندها خودخواهی، خودپســندی، ســتم و بی‌توجهی به حقوق و ارزش‌های انســانی است. توضیح این‌که جامعهٔ انسانی و اسلامی، جامعه‌ای اخلاق‌گراست که تک‌تک اعضای خود را مسئول رعایت شئون انسانی و ادای حقوق یک‌دیگر می‌دانند. در این جامعه بایدها و نبایدهــای رفتاری برای افراد تعریف شــده اســت که همه خود را بــه رعایت آنها ملزم می‌دانند. در یک ســو صداقت، صمیمیت، امانت‌داری، عفو، احســان، هم‌کاری، انفاق، احتــرام متقابل و... از جمله ارزش‌های این جامعه‌اند که نماد قوت عواطف انســانی است و در ســوی دیگر، نفاق، دشــمنی، دروغ‌گویی، حسد، کینه‌توزی، برتری‌جویی، ستم و بی‌حرمتی به دیگر اعضا کنش‌هایی است که بیان‌گر گســستی روابط اجتماعی و ضعف عواطف انسانی است که مورد نکوهش اسلام هســتند. این جامعه، آرمان‌شهر اسلام است. اما از روایات در توصیف روزگار پیش از ظهور به دســت می‌آید که پیوندها به گونه‌ای ظهور و بروز می‌یابد که نمایان‌کنندهٔ گســستی عمیق در روابط اجتماعی انسان‌هاســت؛ قطع روابط خویشاوندی، کم‌ارج‌شــدن جایگاه پدر و مــادر و بزرگ‌ترها در نزد فرزندان و در مقابل بی‌توجهی بزرگ‌ترها بــه فرزندان و اعضای فروتر خانواده، عدم توجه به حقوق هم‌ســایه، دروغ‌گویی، کینه‌توزی و دشــمنی، حســادت، رواج غیبــت و بهتان و افترا، هر کدام گســلی بر روابط

اجتماعی و عواطف انسانی است که احادیث آنها را بیان کرده‌اند:

یکم. قطع رحم: صلهٔ رحم به معنای محبت و ارتباط داشتن با خویشان است که در اسلام به آن توصیه و در زمرهٔ واجبات شمرده شده است و قطع آن به معنای بی‌توجهی و گسست پیوند خویشاوندی است. بنابر روایات در روزگار پیش از ظهور، این پدیده در بین مردم به گونه‌ای شیوع می‌یابد که دست نیاز خویشاوندان محتاج را نیز برنمی‌تابند:

امام صادق □ می‌فرمایند:

رأیتَ الأرحامَ قد تقطعت؛[۲۴]

وقتی که دیدی که پیوندهای خویشاوندی، گسسته گشته است.

پیامبر اسلام □ فرموده‌اند:

قیامت برپا نمی‌شود تا آن‌که زمانی فرا رسد که مردمی (از شدت فقر) به اقوام و بستگان خود مراجعه کنند و آنان را به پیوند خویشاوندی سوگند دهند تا بلکه به او کمک کنند، ولی چیزی به او نمی‌دهند.[۲۵]

دوم. بی‌حرمتی انسان‌ها به یک‌دیگر: در آموزه‌های دینی به اعضای جامعه اسلامی سفارش شده است که به یک‌دیگر احترام بگذارند و از بی‌حرمتی به یک‌دیگر اجتناب کنند. به بزرگ‌تران توصیه می‌شود که به کوچک‌ترها ـ خواه از حیث سن و یا از جهت پایگاه اجتماعی ـ احترام بگذارند و از کوچک‌ترها می‌خواهد که در مقابل افراد بزرگ‌تر با کرنش و تکریم رفتار کنند. مطالعهٔ سیرهٔ عملی پیشوایان دین، گواه بر این است که آنها این ارزش اسلامی و انسانی را در کنش‌های متقابلی با اعضای جامعه داشته‌اند و به خوبی به کار می‌بسته‌اند، اما در جامعه پیش از ظهور این ارزش اسلامی زیرپا نهاده می‌شود و افراد خود را به رعایت آن ملزم نمی‌دانند. پیامبر اسلام □ در توصیف آن زمانه می‌فرماید:

در آن روزگار، بزرگ‌ترها به زیردستان و کوچک‌ترها، با مهربانی رفتار نمی‌کنند و قوی بر ضعیف ترحم نمی‌نماید.[۲۶]

امام صادق □ در این‌باره می‌فرمایند:

رأیت العقوق قد ظهر و استُخِف بالوالدین؛[۲۷]

وقتی که دیدی عاقّ والدین آشکار گشته و جایگاه پدر و مادر سبک شمرده شده است.

فرآیند حرمت‌زدایی از پدر و مادر تا بدان میزان پیش خواهد رفت که پدر و مادر بدترین جایگاه را در نزد فرزند خواهند داشت و فرزند از بهتان زدن بر آنها نه تنها باکی نخواهد داشت، بلکه خرسند نیز خواهد بود[۲۸] و این نشان از افول و غروب چراغ عاطفه در نزد فرزندان آنان است.

سوم. بی‌توجهی به حقوق هم‌سایگان: اسلام دربارهٔ وجوب رعایت حقوق هم‌سایه،

فرآیند حرمت‌زدایی از پدر و مادر تا بدان میزان پیش خواهد رفت که پدر و مادر بدترین جایگاه را در نزد فرزند خواهند داشت و فرزند از بهتان زدن بر آنها نه تنها باکی نخواهد داشت، بلکه خرسند نیز خواهد بود و این نشان از افول و غروب چراغ عاطفه در نزد فرزندان آنان است

سفارش‌های بسیاری کرده است، به گونه‌ای که پیامبر □ فرمودند:

خداوند آن‌قدر مرا دربارهٔ همسایه سفارش کرد که گمان کردم همسایه از همسایه ارث می‌برد.[۲۹]

با وجود این، در جامعه پیش از ظهور به سبب ضعیف شدن نیروی عواطف انسانی، افراد نه‌تنها برای همسایهٔ خویش احترام قائل نمی‌شوند، بلکه در آزار دادن وی تلاش می‌کنند. در روایات چنین آمده است که «در آن روزگار همسایه از همسایهٔ خود یاری می‌طلبد و او را به حق خویشاوندی سوگند می‌دهد، اما به او کمک نمی‌کند.»[۳۰] امام صادق □ نیز در خصوص دوری‌جستن از آسیب‌های آخرالزمان به این انحراف چنین اشاره می‌کنند:

... رأیت الجار یوذی جاره و لیس له مانع؛[۳۱]

زمانی که... دیدی همسایه، به همسایه‌اش آزار می‌رساند و هیچ مانعی برای او نیست.

گفتنی است که چون در برخی روایات، روایات «الساعة» و«اشراط الساعة» به ظهور و نشانه‌های آن تفسیر شده‌اند،[۳۲] این روایات را به منزلهٔ گزارشی از عصر پیش از ظهور برمی‌شمریم.

چهارم. کینه‌توزی: دشمنی و کینه‌توزی را از شاخصه‌های گسست در عواطف انسانی می‌توان دانست که در جوامع پیش از ظهور، چیرگی خود را آشکار می‌کند. در آن روزگار آستانهٔ تحمل مردمان آن‌قدر کم می‌شود که چشم دیدن یک‌دیگر را نخواهند داشت و از یک‌دیگر دوری خواهند جویید. حالت مردم آن‌چنان دگرگون خواهد شد که با یک‌دیگر درنده‌خویی خواهند کرد و به آزار هم‌دیگر خواهند پرداخت و در چنین فضای پرکینه و عداوتی، آرزوی مرگ تنها راه نجات و رهایی پنداشته می‌شود.[۳۳] ناگفته پیداست که کینه‌توزی که خود معلول بسیاری از ناهنجاری‌ها در روابط اجتماعی است، پایه و مایه‌ای برای آسیب‌های اجتماعی دیگری خواهد بود که در روایات به آنها اشاره شده است؛ آسیب‌هایی چون دروغ‌گویی،[۳۴] حسادت، حرص،[۳۵] افترا، غیبت و بهتان[۳۶] و بی‌حرمتی به انسان‌ها.[۳۷] پیدایی هرکدام از این نابهنجاری‌های اجتماعی که در زیر سایهٔ کینه‌توزی ظهور و بروز می‌یابند، به معنای مرگ عواطف انسانی و اخلال در روابط اجتماعی است.

ج) شیوع کج‌روی‌های اجتماعی

زندگی اجتماعی انسان، تحت حاکمیت قواعد و هنجارهای اجتماعی است که برخی رفتارها را مناسب و برخی را نامناسب تعریف می‌کنند. روشن است که سرپیچی از این قواعد رفتار، همهٔ کنش‌ها را دست‌خوش هرج و مرج و ازهم‌گسیختگی می‌کند که از آن به کج‌روی اجتماعی تعبیر می‌کنیم. به عبارت دیگر، کج‌روی اجتماعی عبارت است از ناهم‌نوایی با هنجار یا مجموعه هنجارهای معین که توسط تعداد فراوانی از مردم در اجتماع یا جامعه‌ای پذیرفته شده است.[۳۸] هر جامعه‌ای، در فرآیند جامعه‌پذیری ارزش‌ها و هنجارهای شایسته را به اعضا انتقال می‌دهد و از آنان انتظار دارد که از این ارزش‌ها و قواعد کنش پیروی کند، اما همواره در هر جامعه‌ای عده‌ای یافت می‌شوند که پاره‌ای از این ارزش‌ها و هنجارها را زیرپا می‌نهند و رعایت نمی‌کنند. جامعه افراد هم‌آهنگ با ارزش‌ها را هم‌نوا و افراد ناهم‌آهنگ را ناهم‌نوا تعریف می‌کند.[۳۹]

با توجه به این مقدمه روشن می‌شود که در جامعهٔ اسلامی که ارزش‌ها و هنجارهای اسلام در آن حاکم است، معیار و ملاک هم‌نوایی یا ناهم‌نوایی و به عبارت روشن‌تر انحراف یا عدم انحراف افراد در روابط اجتماعی‌شان، باید براساس همین ارزش‌ها و هنجارها مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد. از آموزه‌های دینی دربارهٔ روزگار پیش از ظهور برداشت می‌شود که در جوامع بشری آن عصر کج‌روی‌های اجتماعی به گونهٔ بهت‌انگیزی گسترش می‌یابد و عمق گرایش به کج‌روی‌ها در آن روزگار به میزانی که بسیاری از مردم در جامعهٔ اسلامی، ارزش‌های اسلامی را ضدّ ارزش و ضدّ ارزش‌های اسلام را برای خود ارزش تلقی خواهند کرد.[۴۰] در روایات به انواعی از کج‌روی که در جوامع پیش از ظهور انتشار می‌یابد، اشاره شده است. از آن میان می‌توان از کج‌روی‌هایی چون هم‌جنس‌بازی،[۴۱] فحشا،[۴۲] بی‌عفتی و بی‌حجابی،[۴۳] قماربازی،[۴۴] رشوه خواری،[۴۵] شرب مشروبات الکلی،[۴۶] سرقت و کم‌فروشی[۴۷] نام برد. در ذیل به بررسی برخی از آنها می‌پردازیم.

یکم. هم‌جنس‌بازی (homosexuality): هم‌جنس‌بازی نشان‌دهندهٔ روابط جنسی بین دو یا چند تن از افراد هم‌جنس است. بنابر روایات، در روزگار پیش از ظهور گرایش به تشکیل خانواده رو به افول می‌نهد و به جای آن زنان و مردان برای ارضای

نیازهای جنسی خود به هم‌جنس‌بازی روی می‌آورند. محمد بن مسلم می‌گوید: به امام باقر □ گفتم: ای فرزند رسول خدا! قائم شما چه وقت ظهور خواهد کرد؟ فرمود:

هنگامی که مردها خود را شبیه زنان و زنان خود را شبیه مردان کنند. آن‌گاه که مردان [در ارضای نیاز جنس خود] به مردان و زنان به زنان اکتفا کنند.[۴۸]

براساس برخی روایات، فرآیند گرایش به هم‌جنس‌بازی به میزانی شدت و حدّت می‌یابد که مردان، مردان دیگری را که به زنان تمایل دارند، نکوهش می‌کنند.[۴۹]

دوم. فحشا: برآوردن خواهش‌های جنسی را در برابر پول می‌توان فحشا دانست، اما مراد در این بحث معنایی گسترده‌تر است که شامل همهٔ شیوه‌هایی می‌شود که از طریق آنها خواهش‌های جنسی را به صورت نامشروع ارضا می‌کنند. در روایات به بسیاری از این ناهنجاری‌ها اشاره شده است. از علی □ نقل شده است:

در واپسین سال‌های دنیا و نزدیک برپایی قیامت که بدترین زمان‌هاست، زنانی ظاهر می‌شوند که برهنه‌اند و خودنمایی می‌کنند، از راه دین منحرفند. به فتنه و گناه و شهوت‌رانی تمایل دارند، حرام را حلال می‌کنند و جای آنان در دوزخ است.[۵۰]

و در برخی روایات نیز وارد شده که برخی از مردان از طریق عرضهٔ زنان خود به عنوان کالاهای جنسی ارتزاق می‌کنند و یا بدن‌های خود را به عنوان کالای جنسی عرضه می‌کنند.[۵۱] روایات دینی در گزارش خود از گسترش فحشا و روسپی‌گری به رواج زنا[۵۲] و به دنبال آن زیاد شدن فرزند نامشروع اشاره کرده و بر این نکته اشاره نموده‌اند که برآیند آسیب‌های اجتماعی در روزگار پیش از ظهور به سست شدن نهاد خانواده و افزایش نرخ طلاق ـ که خود نوعی از کج‌روی در روابط اجتماعی است ـ منجر خواهد شد.[۵۳] دسته‌ای از روایات نیز در گزارش خود از فراگیری فساد و فحشا در روزگار پیش از ظهور تأکید کرده‌اند که شیوع این‌گونه انحرافات به میزانی خواهد بود که برای مردم، عادی جلوه خواهد نمود و دیگر حساسیت چندانی به آن نشان نخواهند داد. پیامبر اسلام □ در این خصوص می‌فرمایند:

قیامت برپا نمی‌شود... تا آن‌که زنی را در روز روشن و به طور آشکار [در پیش روی همگان از چنگ صاحبش] گرفته، در وسط راه به او تعدی کنند، ولی احدی این کار را نکوهش نکند و از آن جلوگیری ننماید. بهترین آن مردم کسی است که می‌گوید: ای کاش کمی از وسط راه کنار می‌رفتی و کارت را انجام می‌دادی.[۵۴]

سوم. سرقت: برای سرقت معانی مختلفی بیان شده که با ترکیب آنها سرقت را این‌گونه می‌توان تعریف کرد؛ برداشتن چیزی از دیگری بدون اطلاع و رضایت او که یا با زور گرفته می‌شود و یا با مکر و حیله. سرقت از انحرافات بزرگ اجتماعی است که جوامع در دوره‌های مختلف تاریخی با آن دست به گریبان بوده‌اند. در عصر پیش از ظهور نیز این آسیب به صورت گسترده و پیچیده‌ای در جوامع جریان خواهد داشت. سرقت و تجاوز به اموال

در برخی روایات نیز وارد شده که برخی از مردان از طریق عرضهٔ زنان خود به عنوان کالاهای جنسی ارتزاق می‌کنند و یا بدن‌های خود را به عنوان کالای جنسی عرضه می‌کنند. روایات دینی در گزارش خود از گسترش فحشا و روسپی‌گری به رواج زنا و به دنبال آن زیاد شدن فرزند نامشروع اشاره کرده و بر این نکته اشاره نموده‌اند که برآیند آسیب‌های اجتماعی در روزگار پیش از ظهور به سست شدن نهاد خانواده و افزایش نرخ طلاق ـ که خود نوعی از کج‌روی در روابط اجتماعی است ـ منجر خواهد شد

دیگران بــه صورت‌های مختلفی نمود پیــدا خواهد کرد. در برخی روایات که به توصیف روزگار پیش از ظهور پرداخته‌اند، به ســرقت در قالب کم‌فروشــی و رانت‌خواری اشاره شده است.[۵۵] در آن دوران ســیاه، گناهان بزرگی چون کاستن پیمانه‌ها و ترازوها و کم‌فروشی و حق مردم را پای‌مال کردن رواج می‌یابد و اســاس مبادلات و داد و ستدها، بر کاستی و تجاوز به حقوق دیگران استوار می‌گردد و کار و تــلاش و مبادله‌ای که از غیر این راه‌ها صورت گیرد، نوعی زیان و ضرر و عقب‌ماندگی حساب می‌شود. امام حسن عسکری □ آن دوران را این‌گونه ترسیم فرموده:

أغنیائهم یسرقون زاد الفقراء؛[۵۶]

اغنیا و توان‌گران جامعه ارزاق (وسایل معیشتی و امکانات زندگی) بی‌نوایان را می‌ربایند.

بی‌تردید مراد از ســرقت در این حدیث، ســرقت‌های رســمی نیســت که جرمی جزایی و مدنی به حســاب می‌آید؛ زیرا این‌گونه دزدی‌ها با پایگاه اجتماعی سرمایه‌داران تناسب چندانی ندارد، بلکه منظور از این سرقت، به کار بردن شیوه‌های مبادلاتی و ایجاد توّرم مصنوعی، رانت‌خواری، توزیع غیرعادلانه و تولیدهای اســتثماری و ظالمانه اســت که بر آن اســاس، حقوق فرودستان جامعه نادیده گرفته می‌شود.

چهارم. رباخواری و رشــوه‌گیری: براســاس گــزارش روایات، بــر اثر تغییر ارزش‌های اســلامی، جوامع پیش از ظهور به ســوی نوعی سرمایه‌داری لجام‌گسیخته و پول‌پرستی افراطی گرایش پیدا خواهنــد کرد،[۵۷] به گونه‌ای که ملاک برتــری در این گونه جوامع تجمع ثروت و مال‌اندوزی است[۵۸] و روابط اجتماعی افراد براساس دارایــی و نــاداری، تنظیم و برقرار می‌گردد[۵۹] در این آشــفته بازار، افراد فرودســت بــرای نیل به پایگاه اجتماعی بالا و یا دسترســی بــه منابع کمیاب قدرت و ثروت ناگزیرند که به ربا و رشــوه روی آورنــد تــا بتوانند به حیــات اجتماعی خود ادامه دهند و از ســوی دیگر، ســرمایه‌داران از این فرصت برای افزایش ثروت خویش به رباخواری و رشوه‌گیری گرایش پیدا می‌کنند. علی □ در توصیف این فضای مسموم می‌فرمایند:

نشانهٔ دجال فرا رسیدن زمانی است که مردم ربا بخورند و رشوه بگیرند.[۶۰]

شیوع انحرافات اجتماعی در روزگار پیش از ظهور هرگز به این معنا نیست که مردم حق دارند بر مفاسد و انحرافات اجتماعی دامن زنند و خود را بیالایند و در گســترش آن بکوشــند تا شرایط ظهور فراهم شود، بلکه بدان معناست که جامعه با ترک آموزه‌های دینی و اخلاقی ناگزیر بدان سمت و سو حرکت می‌کند. وقتی در جامعه‌ای ارزش‌ها تغییر کند، بی‌گمان هنجارهایی که براســاس آن ارزش‌ها ســاخته و پرداخته شــده‌اند، فرو خواهند ریخــت. در این فرآیند یا جامعه بر اثر فقدان نظم ارزش و هنجاری دچار هرج و مرج خواهد شــد و یا ارزش‌ها و هنجارهایی نوین بر رفتار و کردار جامعه حاکم خواهد شد که پی‌آمد آن گسترش انحرافات خواهد بود.

د) انگیزه‌های غیر انسانی در روابط اجتماعی

انســان موجودی اجتماعی اســت کــه نیازمند ایجــاد پیوند با دیگران است و اگر این پیوندها ایجاد نشود، در برآوردن نیازهایش با مشکل روبه‌رو خواهد شد. اما بی‌شک برآوردن نیازها تنها انگیزه در روابط اجتماعی نیســت، بلکه انگیزه‌های متفاوتی می‌تواند افراد را بــه ایجاد رابطه با هم‌دیگــر برانگیزاند. انگیزه‌ها گاه براســاس ملاک‌هــا و معیارهای عقلانی و انســانی اســت و گاه مایه و پایهٔ آنها غیرعقلانی و غیرانسانی است. بنابر روایات انگیزه‌ها در روزگار پیش از ظهور، الهی و انســانی نیست. دوستی‌ها و محبت‌ها واقعی و خالص نیست، بلکه ملاک بسیاری از پیوندها و دوستی‌ها مسائل پوچ و زودگذر و بی‌اهمیت است. غالب پیوندها براساس دست‌یابی به عیش و نوش و لذّت و فساد و آلودگی است و ابراز صمیمیت‌ها، از حدّ زبان فراتر نمی‌رود. اما به هنگامه نیاز واقعی، یاری‌دهندگان اندکند. علی □ در توصیف این فضا می‌فرمایند:

... وتواخی الناس علی الفجور و تهاجروا علی الدین و تحابُّوا علی الکذب... واستُعمِلَتِ المودة باللسان و تشاجروا الناس بالقلوب؛[۶۱]

مردم با انگیزهٔ گناه‌کاری با هم برادر می‌شوند و در راه دین از یک‌دیگر جدا می‌گردند. دوستی‌ها دروغین است... و دوستی به زبان و دشمنی مردم به دل‌هاست.

ســخن از تعــاون و تکافــل اجتماعی در چنیــن فضایی امری گزاف است. جایی که به تعبیر علی □ ـ در ادامه همین روایت ـ مردمان چون گرگ به دنبــال دریدن یک‌دیگرند، روابط اجتماعی

بر پایهٔ ارزش‌ها و هنجارهای الهی شـکل نمی‌گیرد و گسـیختگی روابط اجتماعی شیوهٔ غالب در جامعه خواهد بود.

اصلاح روابط اجتماعی پس از ظهور

چنان‌که گذشت، روابط اجتماعی در سال‌های پیش از ظهور از هم خواهد گسیخت. آیا این‌گونه روابط اجتماعی پایدار خواهد بود؟ آیا امکان دگرگونی و تحوّل و اصلاح آن وجود ندارد؟ اگر دگرگونی ممکن است، کی، چگونه و به دست چه کسی ایجاد خواهد شد؟

بنابر عقیده ما وضعیت روابط اجتماعی دگرگون خواهد شـد. این شـیوه، ناسـازگار با طبیعت بشـر و زندگی اجتماعی اوسـت و از این رو، پایدار نخواهد ماند. این دگرگونی‌ها بـا ظهور امـام زمان صورت خواهد پذیرفت و روابط اجتماعی انسـان‌ها سـازگار با طبیعت خواهد شد. امام مهدی برای اصلاح روابط اجتماعی ابتدا از اصلاحات بنیادین یعنـی اصـلاح در بینش‌ها و گرایش‌هـا، خواهد آغازید و در مراحل بعد به کوشـش‌های اصلاح‌گرایانه خود در مورد تک‌تک آسـیب‌ها در روابط اجتماعی، خواهد پرداخت. در ذیل هم به اصلاحات کلان و هم به اصلاحات موردی ایشان اشاره می‌شود:

الف) اصلاح بینش‌ها

در فرهنگ اسلامی، عقل به گونه‌ای خاص تفسیر شده است. عقل در قاموس اسلام، نیرویی اسـت که انسان را به پرستش خداوند و کارهایی نیک که سبب‌ساز بهره‌مندی از نعمت‌های الهی است، فرامی‌خواند.

العقل ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان.[۶۲]

عقل در این اندیشـه، سـرمایه‌ای الهی است که خداوند به همهٔ انسان‌ها ارزانی داشته تـا در سایه‌سـار آن، هرآن‌چه مصلحت دنیایـی و آخرتی او را تأمین می‌کند، بازشناسـد و از اندیشـه‌ها و کنش‌هایـی که آینـده او را به خطر می‌اندازد، خـود را وارهاند. به گفتهٔ اندیشـه‌ورزان، فرق بین انسان و سـایر حیوانات، نیروی تعقّل و تفکّر است. در جای‌جای قرآن نیز انسـان‌ها ترغیب شـده‌اند که از این نیروی خدادادی اسـتفاده بهینه نمایند. اما معالأسـف در بسـیاری از انسـان‌ها، این نیـرو تحت‌تأثیر نیروهای شـهوت و غضب از پرتوافکنی بازمانده و زمینه‌ای ایجاد شـده که انسـان‌ها در کنش‌های فردی و اجتماعی خود آن‌چنان‌که باید، رفتار نکنند. در این فرآیند نیروی خرد آدمی در زیر رسوبات فکری و خرافات و کنش‌های نادرست پنهان می‌شود و درک ناب و زلال انسانی بی‌فروغ می‌گردد و انسان‌ها کج‌روی را بر اثر کج‌اندیشی آغاز می‌کنند. از این رو، برای جهت‌دهی درست به روابط اجتماعی باید اصلاح را از خرد و اندیشه آغاز کرد. باید غبارهای شهوانی و هواهای نفسـانی را که بر چراغ عقل نشسـته زدود تا در سایهٔ نورافشانی آن به بازسازی الگوهای صحیح کنش‌های فردی و اجتماعی دست یافت. اندیشه‌ورزان «برای اصلاح یک اجتماع فاسـد، نخسـت ایده و افکار و اعتقادات نادرست آنان را تغییر می‌دهند؛ زیرا تا انقلابی در

امام مهدی برای اصلاح روابط اجتماعی ابتدا از اصلاحات بنیادین یعنی اصلاح در بینش‌ها و گرایش‌ها، خواهد آغازید و در مراحل بعد به کوشش‌های اصلاح‌گرایانه خود در مورد تک‌تک آسیب‌ها در روابط اجتماعی، خواهد پرداخت

افکار پیدا نشـود، نمی‌توان انتظار اصلاحـات عمیق در جنبه‌های عملی داشت».[۶۳] علی □ این روش اصلاح‌گرایانه را از روش‌های پیامبران بزرگ الهی در اصلاح جوامع دانسته‌اند:

فبعث فیهم رسـله و واتر إلیهم انبیائه لیستأدوهم میثاق فطرته و یثیروا لهم دفائن العقول؛[۶۴]

خداوند پیامبـران خود را مبعوث کـرد (و هرازچندگاه متناسب با خواسته‌های انسان) رسولان خود را پی‌درپی اعـزام کـرد تا وفاداری بـه پیمان فطـرت را از آنان باز جویند... و توان‌مندی‌های پنهان شـدهٔ عقل‌ها را آشکار سازند.

در آموزه‌ای دینی وارد شـده اسـت که پس از ظهور نیز همین برنامه دنبال خواهد شـد و چـراغ عقل فـروزان و غبارهای تیره از سـاحت خرد انسـانی زدوده خواهد شـد. به عبارت روشـن‌تر، از برنامه‌هـای اصلاح‌گرایانـه امـام زمان □ در سـاحت روابط اجتماعی، ارتقای سطح فکری انسان‌ها و روشن کردن چراغ عقل اسـت تا در سایه‌سار آن بشر بتواند الگویی از روابط اجتماعی برای خـود برگزیند که مصلحت دنیـوی و اخروی او را تأمین کند. امام باقر □ در این خصوص می‌فرمایند:

إذا قـام قائمنـا وضع یده علـی رئوس العبـاد فجمع به عقولهم و أکمل به أخلاقهم؛[۶۵]

زمانـی که قائم ما به پا خیزد، دسـت خویش را بر سـر بندگان خواهد کشـید و این‌گونه، اندیشهٔ آنان را جمع و اخلاقشان را تکامل می‌بخشد.

بشر امروز اگر از نیروی عقلانی خود به درستی استفاده می‌کرد و ابرهـای تیره را از آسـمان آن می‌زدود، روابـط اجتماعی‌اش به گونـه‌ای دیگر رقم می‌خورد. ضعف روابط اجتماعی بشـر پیش از ظهور را باید در ضعف عقلانیت او دانسـت. از این رو، در تفسـیر ارزش‌ها نیز بدون همراهی اندیشـه قدم برمی‌دارند و عقلانیت را در عقلانیت ابزاری و دنیایی خلاصه می‌کنند. بسـی روشن است کـه دسـت عقلانیت ابزاری، کوتاه‌تر از آن اسـت که به سـاحت مصلحت‌های واقعی انسـان دسـت یازد. اما پس از ظهور که خرد ناب انسـانی جایگاه خود را بازمی‌یابـد، الگوی روابط اجتماعی نیز شـکلی تازه به خود خواهـد گرفت. کنش‌ها به گونه‌ای سـازمان می‌یابند که تأمین کننده سعادت این دنیایی و آخرتی انسان باشند. با رشـد تربیت و تکامل عقل، کینه‌ها به محبت و دوسـتی تبدیل می‌شـود و روابط اجتماعی براساس انسان دوستی شکل می‌گیرد. در نتیجه، اخلاق نیکو در جامعهٔ بشری گسترش می‌یابد.

از آن‌جا که عقلانیت صحیح در سـایهٔ دین‌داری ممکن خواهد بـود، جامعهٔ اصلاح شـده پـس از ظهور دیـن‌دار و کنش‌هایش معطـوف به ایمـان به خدا و معاد خواهد بود؛ زیرا روشـن اسـت «برای اصلاح یک جامعه و نجات آن از آتش ظلم و ستم و ارتقای سـطح عقلانیت انسان‌ها، تقویت پایه‌های ایمان به خدا و معاد دو شرط ضروری و اساسی است؛ چراکه بدون ایمان به خدا، احساس مسـئولیت از وجود انسان برچیده می‌شـود و بدون توجه به معاد، ترس از میان خواهـد رفت و به این ترتیب، این دو پایهٔ اعتقادی، پایهٔ تمام اصلاحات اجتماعی است».[۶۶]

ب) اصلاح گرایش‌ها

قـرآن کریم یکی از برنامه‌های اصلاحی پیامبران خدا را تزکیه روح و روان انسـان‌ها دانسـته و آن را مرحلهٔ آغازین و پیش‌شرط هرگونـه اصلاح معرفی کرده اسـت؛[۶۷] زیرا در سایه‌سـار تصفیه و پاکی روح رفتارها و کنش‌های انسـانی، رنگ و بوی الهی به خود می‌گیرد. در روایات اسـلامی نیز آمده است که سیره و سنّت امام مهدی □ ، همان سـیره و سنّت رسول اعظم □ خواهد بود.[۶۸] از این رو، تربیت و پرورش روح انسان و توجه به اخلاق و فضایل معنوی از اساسـی‌ترین برنامه‌های ظهور اسـت. روشـن است که یکی از ابعاد مهم و زیربنایی در سـاختن جامعهٔ عدالت‌گرا، راه‌یابی و نفوذِ عدالت در درون روح افراد و برقراری عدل و تعادل اخلاقی و تربیتـی در میان آحاد جامعه اسـت. بدین‌جهـت، تربیت معنوی و تصحیـح اخلاق افـراد در حدّ بالا و آرمانـی در دوران ظهور از اساسی‌ترین اهداف اصلاحی اسـت که امام زمان □ آنها را پی خواهد گرفت. شـعارهای مهم امام کـه از جمله آنها حق‌جویی و عدالت‌خواهـی اسـت، در پرتو تربیت درسـت و تصحیح اخلاق و برقراری تعادل باطنی به عمق اندیشـه و سـویدایِ دل مردم نفوذ می‌کند و محور گرایش‌ها و گزینش‌های آنان قرار می‌گیرد.[۶۹]

امام زمـان □ بر اصلاح رفتارهای مردم جامعه پس از ظهور از این نقطـهٔ زیربنایی (اصلاح در گرایش‌هـا) تلاش خود را آغاز

خواهد کرد تا بتوانند دیگر الگوهای اصلاحی خود را بر این بنیان بنا نهند؛ زیرا انسانی که از بعد روحی و روانی رشـد یافته باشد، برای پذیرش عدالت، حق‌طلبی، مهرورزی، ایثار و فداکاری و مسـئولیت‌پذیری، زمینه و ظرفیت بیشـتری دارد. در روایات نیز به این مسئله اشـاره شده اسـت. برای نمونه، بنابر برخی روایات شهروندان جامعهٔ مهدوی به یک‌دیگر دروغ نمی‌گویند و به واسـطه تلاش‌هـای اصلاح‌گرایانهٔ حضـرت، دروغ از جامعه رخت برمی‌بندد. پیامبر اسلام می‌فرمایند:

به یمحق الله الکذب و یذهب الزمان الکَلِب؛[۷۰]

به دسـت مهدی خداوند دروغ‌گویی را (در روابط اجتماعی) محو می‌کند و روزگارِ آزمندی (سختی و فشار) را به سر می‌آورد.

با توجه به این مطلب که دروغ‌گویی از بزرگ‌ترین رذایل اخلاقی و سرمنشأ بسیاری از مشـکلات و آسیب‌های فردی و اجتماعی است که به تیرگی و اخلال در روابط اجتماعی می‌انجامد. اهمیت اصلاح در گرایش‌های اخلاقی در آرمان‌شهر مهدوی به روشنی هویدا می‌شود. آرمان‌شهر مهدوی با وجود این‌که شهر عدالت، رفاه و امنیت است، محیطی برای ظهور و بروزِ فضایلِ بلند انسانی نیز هست. در آن محیط انسان‌های صالح تربیت می‌شوند تا جامعه‌ای آرمانی بنا نهاده شـود. در آن فضا، انسان‌ها نه‌تنها به غنای اقتصادی بلکه به غنای روحی نیز دست می‌یابند. در کنار اتمام نعمت به اکمال اخلاق و فضایل انسانی نیز خواهند رسید. پیامبر در وصف روزگار مهدی فرمود:

و یجعل الله الغني في قلوب هذه الامة؛[۷۱]

خداوند بی‌نیازی و غنا را در دل‌های این امت پدید آورد.

حرص و آز خاسـت‌گاه بسیاری از تجاوزها و سـتم‌های مالی و غیرمالی است. عدالت مهدوی در عرصهٔ تربیت، انسان‌ها را از این رذیله، پاک می‌سازد و به گوهر غنا و بی‌نیازی می‌آراید و بدین‌سان راه را برای بسیاری از خوبی‌ها و صفات نیک می‌گشاید.

بنابرایـن، عدالت مهدوی در عرصهٔ روابـط فرد با دیگران، ضامن اخلاق و ارزش‌های اخلاقـی اسـت و ایـن از مهم‌ترین و ارزش‌مندتریـن آثار عدالت اسـت. امام زمان پیـش و بیـش از هر چیزی به اصلاح اخلاق و گرایش‌هـا خواهد پرداخت و هم‌چون جدّ بزرگ‌وارشـان مکارم اخلاق را گسـترش خواهد داد. گفتنی اسـت که اصلاح و به‌سازی گرایش‌های انسانی، فرآوردهٔ فربه شدن عقل و اندیشه و حیات دوبارهٔ خردورزی است که آن نیـز با ظهور امام زمان به منصهٔ ظهور خواهد رسـید. برخی روایات به این نکته مهم اشاره کرده‌اند. امام باقر در این‌خصوص می‌فرمایند:

وقتی قائم ما رسـتاخیز کند، دستش را بر سر بندگان می‌کشد و این‌گونه، اندیشهٔ آنان را جمع و اخلاقشان را تکامل می‌بخشد.[۷۲]

آرمان‌شهر مهدوی با وجود این‌که شهر عدالت، رفاه و امنیت است، محیطی برای ظهور و بروزِ فضایلِ بلند انسانی نیز هست. در آن محیط انسان‌های صالح تربیت می‌شوند تا جامعه‌ای آرمانی بنا نهاده شود. در آن فضا، انسان‌ها نه‌تنها به غنای اقتصادی بلکه به غنای روحی نیز دست می‌یابند. در کنار اتمام نعمت به اکمال اخلاق و فضایل انسانی نیز خواهند رسید

هم‌بستگی اجتماعی ره‌آورد ظهور

عمده‌تریــن کارکرد دین، ایجاد وحدت و هم‌بســتگی اجتماعی اســت. امیل دورکیم در تعریف خود از دین به نقش دین در ایجاد هم‌بستگی گروهی اشاره می‌کند. وی دین را نظام یک‌پارچه‌ای از عقاید و رفتارهای معطوف به امور مقدس می‌داند که تمام پیروان پای‌بند به عقاید و رفتارهای دینی را در یک اجتماع اخلاقی واحد هم‌آهنگ و متحد می‌سازد.

اســتنلی ایتزن از کارکردها و پی‌آمدهای مهم گروه برخوردار از میــراث و عقاید دینی مشــترک را وحدت می‌داند. در واقع مؤمنان از طریق تعقیب ارزش‌های مشــترک، اجتنــاب از گناهان، پیروی از عقایــد دینی و پاس‌داری از شــعایر و نمادهــای دینی، متحد و منسجم می‌شوند.[۷۳]

آموزه‌های اسلامی بر هم‌بستگی و اتحاد جامعهٔ اسلامی تأکید بســیار کرده‌اند. قرآن به جامعهٔ اسلامی سفارش کرده که اختلاف و تفرقه را کنار بگذارند و به ریســمان محکم الهی دست آویزند.[۷۴] از ســوی دیگر، مردم را به اطاعت از پیامبر فراخوانده و آنان را از تفرقه و جدایی برحذر داشــته و آن را عامل سستی و از بین رفتن قدرت جامعه اسلامی بیان می‌کند.[۷۵]

شــکی نیست که برای تشــکیل جامعه‌ای یک‌پارچه و هم‌گرا، همیشــه وجود جهان‌بینی یگانه و ارزش‌های ثابت و مورد پذیرش همگی اعضای جامعه، ضرورتی انکارناپذیر اســت. جهان‌بینی‌های متعــدّد و متضــاد و ارزش‌های پراکنده و مخالــف، به یقین عامل تفرقه و دوگانگی است؛ زیرا جهان‌بینی و ارزش‌ها، زیربنای تفکر و اندیشه است و تفکر نیز خود عامل محرک در کنش‌های اجتماعی به شــمار می‌رود. انســان‌ها غالبــاً آن‌گونه که می‌اندیشــند، رفتار می‌کننــد. از این رو، اختلاف در جهان‌بینی زمینه‌ســاز کنش‌های ناهم‌آهنــگ در روابط اجتماعی اســت. در نتیجه، بــرای برقراری هم‌بستگی اجتماعی و انسجام در روابط اجتماعی، وجود جهان‌بینی و ارزش‌های مقبول، امری ضروری است.

از امــوری که پس از ظهور نیــاز به اصلاح دارد و امام زمان به آن همت می‌گمارند، حوزهٔ هم‌بستگی و هم‌گرایی فکری و کنشی اعضا جامعه اســت؛ زیرا پیش‌نیاز هرگونه اصلاح، هم‌آهنگ کردن اندیشه و مرام مردم و اتحاد روحی آنان است. اگر دل‌ها ازهم جدا و فکرها گسیخته و پراکنده باشد، آغاز به اصلاح، اگر نگوییم محال، امری هم‌نوا با شکست خواهد بود. از این رو، امام زمان □ برای ایجاد وفاق اجتماعی تــلاش خواهد کرد و به اصلاح‌گری در این حوزه از حیات انســانی همت خواهد نمــود. در آموزه‌های دینی به این بعد از ابعاد اصلاحی امام زمان □ اشــاره‌های بسیاری شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

یکم. در دعــای امام علی □ دربــارهٔ آن حضرت چنین آمده است:

> **وأجمع به شمل الامة؛**[۷۶]
> و پراکندگی امت را با او جمع فرما.

دوم. امام صادق □ می‌فرماید:

> خداوند به وســیلهٔ او بیــن دل‌های پراکنــده و مخالف یک‌دیگر ائتلاف می‌بخشد.[۷۷]

ســوم. در برخی دعاهایی که برای زیارت امام زمان وارد شده، چنین آمده است:

> **السلام علی المهدی الذی وعدالله عزّ و جلّ به الامم أن یجمع به الکلم و یلُمّ به الشعث؛**[۷۸]
> ســلام بر مهدی که خداوند وعده داده است به وسیلهٔ او هم‌بستگی به وجود آورد و پراکندگی را برطرف کند.

در دعای افتتاح نیز همین مضمون با عبارتی دیگر آمده است:

> **اللّهمّ المُم به شعثنا و اشعب به صدعنا؛**[۷۹]
> خدایا به واسطهٔ او پراکندگی ما را به همبستگی مبدّل کن و ازهم‌گسیختگی ما را التیام بخش.

چهارم. امیرمؤمنان □ می‌فرماید:

> **عن علی بن ابی طالب □ قال: قلتُ: یا رسول الله أمِنّا آل محمد المهدی أم من غیرنا؟ فقال رسول الله □ لا، بــل منّا. یختم الله بــه الدین کما فتح بنــا و بنا ینقذون من الفتن کــما انقذوا من الشرک و بنا یؤلّف الله بین قلوبهم بعــد عــداوة الفتنــة إخوانــاً کما ألّــف بینهم بعــد عداوة الشرک إخواناً فی دینهم؛**[۸۰]
> علــی □ فرمود: به پیامبر □ گفتم: آیا مهدی از ما آل محمد اســت، یــا از غیر ما؟ فرمود: نه، بلکه از ماســت.

خداوند دین را به دســت او ختم می‌کند، چنان‌که به وســیلهٔ مــا، آغاز کرد و به واسطهٔ ما مردم از فتنه‌ها نجات می‌یابند، همان‌گونه که از شرک نجات یافتند و به وسیله ما خداوند پس از دشمنی فتنه‌ها و آزمایش‌های سخت، دل‌هایشان را با هم الفت می‌دهد، همان‌طور که پس از دشمنی شرک، آنان را برادر دینی قرار داد.

پنجم. امام حســین □ نیز وقتی وضعیت جامعه ازهم‌پاشــیده و ازهم‌گسیختهٔ دوران پیش از ظهور را توصیف کردند، در جواب راوی که پرســیده بود: آیا هیچ خیر و خوبی در آن زمان وجود نخواهد داشت؟ فرمودند:

الخیر کلّه فی ذلک الزمان یقوم قائمنا و یدفع ذلک کلّه؛[۸۱]

همهٔ خوبی‌ها در آن زمان است؛ زیرا قیام کننده ما (مهدی □) خواهد آمد و همه (ناهنجاری‌ها) را اصلاح خواهد کرد.

گفتنی اســت که راه‌کار حضرت مهدی □ برای ایجاد هم‌بستگی در روابط اجتماعی و محو تفرقه و جدایی، گســترش جهان‌بینی واحد و ارزش‌های یگانه براساس آموزه‌های اصیــل اســلام اســت. در دوران پس از ظهــور جهان‌بینی یک‌پارچه‌ای بــر جهان حاکم می‌گردد و الگوهای رفتاری جامعه نیز به تبع آن جهان‌بینی، یک‌پارچه و منســجم خواهد بــود. یک‌رنگی و یگانگی واقعی در اندیشــه و کنش پدیدار خواهد شــد. امام زمان □ هم‌بســتگی واقعی را براســاس اصول توحید و ایدئولوژی اســلامی پی‌ریزی کرده و همهٔ افراد بشــر را زیر پرچم خداپرستی جمع خواهد نمود. علی □ در توصیف این منظرهٔ زیبا به مالک بن حمزه می‌گویند:

... در این زمان قائم ما قیام می‌کند و همه را بر یک مرام و عقیده گرد می‌آورد.[۸۲]

امام صادق □ نیز این‌گونه توصیف می‌کند:

فــوالله یا مفضل لیرفع عن الملل و الأدیــان الإختلاف و یکون الدین کلّه واحداً کما قال جلّ ذکره ﴿إِنَّ الدِّینَ عِندَ اللهِ الْإِسْلَامُ﴾؛[۸۳]

پس ســوگند به خدا ای مفضل که اختلاف از ملت‌ها و ادیان برداشته می‌شود و دین یگانه می‌شــود، همان‌گونه که خداوند فرمود: «همانا دین در نزد خدا اسلام است.»

در دوران پس از ظهور جهان‌بینی یک‌پارچه‌ای بر جهان حاکم می‌گردد و الگوهای رفتاری جامعه نیز به تبع آن جهان‌بینی، یک‌پارچه و منسجم خواهد بود. یک‌رنگی و یگانگی واقعی در اندیشه و کنش پدیدار خواهد شد. امام زمان □ هم‌بستگی واقعی را براساس اصول توحید و ایدئولوژی اسلامی پی‌ریزی کرده و همهٔ افراد بشر را زیر پرچم خداپرستی جمع خواهد نمود

تقویت عواطف انسانی

جامعه‌ای که عواطف انســانی در آن ضعیف اســت، بی‌روح و بی‌محتوا و ســرانجامش نیســتی و نابودی اســت. جامعــه‌ای که در آن دروغ، کینه، نفاق، حســد، افتــرا، بهتان و بی‌توجهی به ارزش‌های انسانی متبلور باشد، نمی‌تواند جامعه‌ای پایدار و پویا به شمار آید. جامعهٔ بی‌عاطفه و بی‌احســاس، جامعه‌ای در شأن نام انســان نیست. جامعه وقتی جامعهٔ انسانی است که نمودهای فطرت الهی و عواطف انسانی در آن ظهور و بروز روشنی داشته

باشـد وگرنه اطلاق عنوان جامعهٔ انسـانی بر آن جز گزافه چیزی نخواهد بود. از این رو، در آرمان‌شهر مهدوی که جامعه‌ای در قد و قامت واقعی نام و شان انسان الهی است، عاطفه و احساسات پاک انسانی، نمود روشن و آشکاری خواهد یافت و تمام رذایلی که غبار کینه و دشـمنی را بر دل‌ها می‌پراکننـد، از جامعه رخت برخواهند بست. به تعبیر روایات، کینه‌ها از سینه‌ها زدوده خواهد شد.[۸۴]

در جامعه اصلاح شـده پس از ظهور، روابط و عواطف انسـانی بر محورِ حق، عدالت و ارزش‌های والای انسـانی، بازسازی خواهد شـد و هم‌چنان‌که پیش از این گذشت، حق‌جویی و عدالت‌خواهی در پرتو تربیت درسـت و بهینه‌سازی اخلاق، امری ممکن و میسّر خواهد بود. بدین‌جهت، امام زمان □ برای تقویت عواطف انسانی، بـه تقویت اخلاق عمومی جامعه در روابط اجتماعی، همت خواهد گمارد. در آرمان‌شـهر مهدوی دیگـر از کینه‌توزی و دروغ‌گویی و بی‌حرمتی خبری نیست و شهروندان جامعهٔ انسانی، وظیفه خود را دربارهٔ خود، خدا و دیگران، بازخواهند شناخت. در این روزگار آن‌چه نمـود دارد، مهرورزی، مهربانی، انس، صفـا و صمیمیت و احیای ارزش‌های انسانی و الهی در تمام ساحت‌های حیات بشری است. در آموزه‌هـای دینی به این جنبـه از اصلاحات امام زمان □ نیز اشاره شده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

قیـام امام زمـان □ در برخـی از روایـات به بعثـت پیامبر اعظم □ تشبیه شده اسـت که با ظهور خود دل‌ها و قلب‌های دورافتـاده از یک‌دیگـر را بـه هـم نزدیک خواهد کـرد و صفا و صمیمیـت را در بین اعضای جامعه گسـترش خواهند داد. در این خصوص پیامبر اسلام □ می‌فرماید:

> **و بـه یؤلِّف الله قلوبهم من بعد عداوة الفتنة کما الّفَ الله بین قلوبهم بنا بعد عداوة الکفر؛**[۸۵]
> خداوند به وسـیلهٔ امام زمان □ دل‌هایشـان را پس از دشمنی به هم نزدیک می‌کند، همان‌گونه که به وسیلهٔ ما دشمنی دوران کفر و جهالت را از میان برداشت.

در دعای افتتاح آمده است:

> **أشف به صدورنا و أذهب به غیظ قلوبنا؛**[۸۶]
> به وسـیلهٔ او، سینه‌های ما را شـفا ده و خشم دل‌های ما را بزدای!

امام حسین □ نیز پس از برشـمردن نابهنجاری‌های روزگار پیش از ظهور و اشـاره به سـردی عواطف انسانی در آن زمان، در پاسخ شخصی که از ایشان می‌پرسد که پس در آن زمان هیچ خیر و خوبی وجود ندارد، بـه تلاش اصلاح‌گرایانه امام مهدی □ در بُعد روابط اجتماعی و عواطف انسانی اشاره می‌فرمایند:

> **الخیر کلّه فی ذلک الزمان، یخرج المهدی فیرفع ذلک؛**[۸۷]
> تمام خیر و خوبی در آن روزگار اسـت، زیرا مهدی □ ظهور می‌کند و همهٔ آن (ناهنجاری‌ها) را برطرف می‌کند.

اصولاً عواطف انسـانی مربوط به درون و فطرت انسان هستند و مـا دگرگونی چندانی نمی‌توانیم در آنها ایجاد کنیم، پس چگونه حضـرت مهدی □ به اصـلاح این‌گونه امورخواهنـد پرداخت؟ مشـکل اساسـی در روابط اجتماعی به معنای عام و بروز عواطف انسـانی به صورت خـاص، فقدان عدالت در روابط اسـت. اصول عدالت در پاره‌ای از کلیات امور برای بشـر شـناخته شـده است، اما در بیشـتر مسـائل به طور دقیق حد و مرز عـدل برای عموم، مشـخص نیسـت. همین عدم شـفافیت معنا، مفهوم و مصادیق عدالت، مشکلات عمده‌ای را برای بشر به وجود آورده است. برای اجرای عدالت و ظهور و بروز رفتاری آن در عرصهٔ روابط اجتماعی، شـناخت دقیق و مشخص از مفهوم عدالت و حدود آن امری لازم و ضروری اسـت.[۸۸] در کلام امام رضا □ به همین موضوع اشاره رفتـه اسـت که در دوران ظهـور، میزان و معیار شـناخت عدالت مشخص می‌گردد و به دست بشر داده می‌شود و همگان از اصول و فـروع عدل در روابط اجتماعی و فـردی آگاه می‌گردند. زندگی بشـر در این عدالت روشن و شفاف، از هرگونه ظلم پاک می‌گردد و دیگر کسی به دیگری ظلم نخواهد کرد.

> **یطهّـر به (القائـم) الأرض من کلّ جور و یقدّسـها من کلّ ظلم... فإذا خرج وضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم أحدٌ أحداً؛**[۸۹]
> خداوند به واسطه مهدی □ زمین را از ظلم و ستم پاک می‌کند... زمانی که قیام کند، ترازوی عدالت را بین مردم قرار می‌دهد تا دیگر کسی به کسی ظلم نکند.

روشن است که وقتی معیاری برای داوری دربارهٔ کنش‌ها وجود

داشــته باشــد و با بروز اندک مشکلی، کنش‌ها مورد بررســی عادلانه قرار گیرد و حقوق همــگان محترم باشــد، دیگر جایی بــرای تضاد و تنش و کینه و دشــمنی وجود نخواهد داشــت. در جامعهٔ عدل‌محور همهٔ وظیفه خود را دربارهٔ خدا، خود و دیگران می‌شناســند و خود را به رعایت حقوق دیگران متعهد می‌دانند. چیرگی این فضای عدالت‌محور زمینه‌ای را ایجاد می‌کند تا قلب‌ها به هم نزدیک شوند و سبب‌ساز تقویت روابط اجتماعی و عواطف انسانی شوند. شاید کلام عمیق فاطمه زهرا □ در توصیف عدالت ناظر به همین مطلب باشد. ایشان می‌فرمایند:

فجعل الله... العدل تنسیفاً للقلوب؛[۹۰]

و خداوند... عدالت را مایهٔ پیوند یافتن قلب قرار داد.

دل انســان‌ها در فضای تیرهٔ تبعیض و بی‌عدالتی، ازهم می‌گسلد و کینه‌توزی، دشمنی و تنش در میانشان رسوخ می‌کند. اما در جامعهٔ عدل‌محوری که انسان‌ها از فساد، تبعیض و بی‌عدالتی آســیب نمی‌بینند، برای درگیری و تضاد خود که سبب‌ســاز گسســت روابط اجتماعی و ســردی عواطف انســانی اســت، زمینه‌ای فراهم نخواهد نشــد. از این رو، در عصــر مالامال از عدالت ظهور حق‌خواهی و حق‌پرســتی، بــرادری و برابری و مهربانی، انــس، صفا و صمیمیت، ویژگی روابط اجتماعی خواهد بود. در حیات مهدوی، جایی برای کینه و دشمنی در قلوب مردم نمی‌ماند و وقتی کینه از دل‌ها برود، بهانه‌ای برای خیانت، خودخواهــی، انتقام، بدگمانــی و... نخواهد بود و اخلاق مردم اخــلاق محمدی، علوی و مهدوی خواهد شد.

اصلاح کج‌روی‌های اجتماعی و ریشه‌های آن

بنابر روایات دینی امام زمان □ در مقابل همهٔ کج‌روی‌های اجتماعی خواهد ایســتاد و بــه اصلاح آنهــا همت خواهد گمارد. امام حســن □ در جایــگاه توصیف تلاش امام زمان □ در آسیب‌زدایی از ساحت جوامع پیش از ظهور می‌فرماید:

خداوند در آخرالزمان... مردی را برمی‌انگیزاند که همهٔ انسان‌های کافر را مؤمن و همه کج‌روان را اصلاح می‌کند.[۹۱]

در جای جای دعای ندبه نیز به این بُعد از تلاش‌های امام عصر □ تصریح شده است.

أین المنتظر لإقامة الأمت و العوج... أین طامس آثارالزیغ و الأهواء أین قاطع حبائل الکذب والإفتراء أین مبیدُ العتاة و المردة؛[۹۲]

کجاست مردی که برای راست کردن کجی و نادرستی، انتظارش کشیده می‌شود... کجاســت محوکنندهٔ آثار انحرافات و هواپرستی، کجاست قطع کنندهٔ رشته‌های دروغ و افترا، کجاست نابود کنندهٔ متکبران و (متمردان) سرکشان.

کج‌روی‌های اجتماعی از بُعد منشــأ را به گروه‌های مختلف می‌توان تقسیم کرد. ریشهٔ برخی از انحرافات اجتماعی فقر و بی‌نوایی اســت، به گونه‌ای که بســیاری از افراد کج‌رو

در عصر مالامال از عدالت ظهور حق‌خواهی و حق‌پرستی، برادری و برابری و مهربانی، انس، صفا و صمیمیت، ویژگی روابط اجتماعی خواهد بود. در حیات مهدوی، جایی برای کینه و دشمنی در قلوب مردم نمی‌ماند و وقتی کینه از دل‌ها برود، بهانه‌ای برای خیانت، خودخواهی، انتقام، بدگمانی و... نخواهد بود و اخلاق مردم اخلاق محمدی، علوی و مهدوی خواهد شد

تنها به همین دلیل دست به هنجارشکنی می‌زنند. آسیب‌هایی چون دزدی، رشوه‌دهی و رباخواری را در این دسته می‌توان جای داد. منشأ برخی دیگر از آسیب‌های اجتماعی بی‌تعهدی به بنیان‌های اخلاقی، هنجارها و ارزش‌های دینی جامعه و شهوت‌رانی و هواپرستی است. انحرافات جنسی را می‌توان از این جمله آسیب‌های اجتماعی برشمرد. به هر حال، به همین دلیل که علّت بسیاری از کج‌روی‌های اجتماعی متفاوت است، نوع برخورد اصلاح‌گرایانهٔ امام زمان □ نیز با هرکدام از انحرافات اجتماعی متفاوت خواهد بود.

همان‌گونه که گذشت، از عوامل زمینه‌ساز کج‌روی‌های اجتماعی در زمینه اقتصادی و مالی، فقر و نداری است. از این رو، از برنامه‌ریزی‌های امام زمان □ برای مقابله با این‌گونه انحرافات اجتماعی، فقرسوزی و تلاش برای محو آن از ساحت جامعه است. از این رو، نخست ریشه‌های فقر را می‌یابد و به قطع آنها همت می‌گمارد. روشن است که ریشهٔ فقر چند چیز می‌تواند باشد: عدم توان بر کار و فعالیت، تن‌پروری و راحت‌طلبی برخی انسان‌ها و یا غارت اموال توسط برخی سودجویان اقتصادی که به صورت ربا، احتکار، چپاول و رانت‌خواری، نمود پیدا می‌کند. بدین جهت، مبارزهٔ امام زمان □ با فقر و ریشه‌های آن که سبب‌ساز ظهور برخی کج‌روی‌ها در ساحت روابط اجتماعی بشر شده است، چندسویه خواهد بود. از یک طرف، زمینهٔ کار و تلاش را برای همه فراهم می‌کند و از سوی دیگر، با تشویق مردم به کار و تلاش و فعالیت‌های مثبت اقتصادی[۹۳] به مبارزه با انحرافات اجتماعی می‌پردازد. و از سوی سوم به همهٔ اعضای جامعه سفارش می‌کند که در یاری رسانی به قشرهای آسیب‌پذیر جامعه کوشش نمایند و خود نیز نخستین گام را در یاری نیازمندان برمی‌دارد. در این خصوص در روایت آمده است:

حضرت مهدی □ مال را می‌بخشد، بر کارگزاران سخت می‌گیرد و با بی‌نوایان مهربان است.[۹۴]

اما مهم‌ترین راه‌برد حضرت برای ریشه‌کن کردن پایه‌های کج‌روی‌های اجتماعی در حوزهٔ مسائل مالی، مبارزه با مفسدان اجتماعی به عنوان زمینه‌سازان واقعی کج‌روی‌های اجتماعی است. از آن‌جا که برخی افراد سودجو و فرصت‌طلب با سوءاستفاده از دارایی‌ها و پایگاه اجتماعی و اقتدار ناشی از آنها و فرصت‌های اطلاعاتی (رانت) که در اختیارشان است، به چپاول سرمایه‌های عمومی و یغماگری پرداخته و از این طریق به رشد کج‌روی‌های اجتماعی دامن می‌زنند. راه‌برد امام زمان □ برای مبارزه، خلع ید آنان از دست‌یازی به اموال عمومی است. در عصر او پول و مال در میان مردم چون خون در بدن جامعه در جریان است. او انباشت ثروت را در دست عده‌ای خاص بازمی‌دارد و تلاش می‌کند با به حرکت درآوردن آن برای عموم مردم کار و برای جامعه تعادل و توازن پدید آورد.[۹۵] در آرمان‌شهر مهدوی رانت‌خواری و استفاده‌های شخصی از اموال عمومی، که باعث فربه شدن فاصله‌های طبقاتی و زیاد شدن شکاف میان فقیر و غنی است، از بین خواهد رفت. روایات از این مسئله چنین تعبیر کرده‌اند:

إذا قام القائم إضمحلت القطائع فلا قطائع؛[۹۶]

زمانی که قائم رستاخیز کند، قطائع (رانت‌ها) از بین خواهند رفت.

با این‌گونه اصلاحات امام زمان □ رفاه و رونق اقتصادی را به جامعه پس از ظهور هدیه خواهد داد که به تعبیر روایات چنین رفاه و رونقی در طول تاریخ زندگی بشر بی‌نظیر است[۹۷] و البته مهم‌تر از این رفاه مادی، بی‌نیازی قلبی است که خداوند در سایهٔ اصلاحات امام زمان □ در دل انسان‌ها ایجاد خواهد کرد، به گونه‌ای که مردم دیگر گرایشی به مال‌اندوزی نخواهند داشت[۹۸] و در سایه‌سار این بی‌نیازی مادی و معنوی است که اعضای جامعهٔ انسانی آراسته به فضایل و پیراسته از رذایل اخلاقی گشته و این آغازی است بر پایان دادن به ناهنجاری‌ها و کج‌روی‌های اجتماعی در حوزهٔ امور مربوط به اقتصاد.

در حوزهٔ کج‌روی‌های جنسی و مفاسد اخلاقی نیز برخورد اصلاح‌گرایانه امام زمان □ دو گونه خواهد بود: از آن‌جا که یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری کنش‌های انحرافی افراد، ضعف جامعه‌پذیری است، امام زمان □ در گام نخست تلاش می‌کند اعضا را با آموزه‌های دینی آشنا نماید و آنان را از حیث دینی جامعه‌پذیر نماید. از این رو، به تصحیح اخلاق و گرایش‌های رفتاری افراد می‌پردازد. برای این منظور دگرگونی و تحول را از اندیشه آغاز می‌کند؛ زیرا منشأ بسیاری از کج‌روی‌های اجتماعی

جهل و نادانی و ناقص بودن نگرش مردم به زندگی اســت. امام با فربه نمودن عقلانیت و انحراف‌زدایی از اندیشه و خرد که سبب‌ساز انحراف رفتاری است، به مبارزهٔ فرهنگی با عوامل و ریشه‌های کج‌روی‌های جنسی و مفاسد اخلاقی که مایه و پایهٔ اخلال در روابط اجتماعی اســت، خواهند پرداخت. از این رو، در جای جای ســیرهٔ رفتاری خویش بر این تغییر نگرش، تأکید خواهند نمود.

از مواردی که حضرت با نگاهی فرهنگی به مبارزه با ناهنجاری‌های اخلاقی پرداخته‌اند، مفاد پیمان‌نامه‌ای اســت که حضرت با یاران خود می‌بندند. در بندهایی از این پیمان‌نامه امام زمان از یاران خود پیمان می‌گیرد که از انحرافات جنسی چون زنا و لواط بپرهیزند و حریم‌های خصوصی افراد را پاس دارند.[۹۹]

در گام بعدی امام زمان □ با هنجارشــکنان و کســانی مبارزه خواهد کرد که حدود و قوانیــن الهــی را زیرپا می‌گذارند. بدون شــک در هر جامعه افــرادی وجود دارند که به ارزش‌هــا و هنجارهای مورد قبول جامعه احترام نمی‌گزارند و به ناهم‌نوایی با جامعه اقدام می‌کنند و از این طریق به روابط اجتماعی آســیب وارد می‌کنند. برخورد قاطع با این‌گونه اعضــای ناهم‌نــوا، به ایجاد تعادل در جامعه یاری می‌رســاند و افــراد را به رعایت حقوق دیگر شــهروندان ترغیب می‌کند. یکی از عوامل مهم گسترش ناهنجاری‌های اخلاقی و انحرافات جنسی، عدم اجرای حدود و قوانین الهی است.

اهمیــت اجرای این حدود تا بدان‌جاســت کــه قرآن حکمی مانند قصــاص را قانونی حیات‌بخش معرفی می‌کند.[۱۰۰] از این رو، از راه‌کارهای اصلاح‌گرایانهٔ امام زمان □ برای جلوگیری از این‌گونه انحرافات، توجه ویژه به اقامهٔ حدود الهی است. حضرت با اجرای این قوانین حیات‌بخش به روابط اجتماعی سامان می‌دهد و آنها را از گزند آسیب‌ها می‌رهاند. در دعاهایی که از پیشــوایان دینی رســیده، به این جنبه از شخصیت اصلاح‌گر امام زمان اشاره شده است. در دعایی چنین آمده:

و أقم به الحدود المعطلة و الأحكام المهملة؛[۱۰۱]

خدایا به واسطهٔ مهدی □ حدود ترک شده و احکام رها شده را برپا دار!

از امام صادق □ نیز نقل شده که در زمان امام زمان حدود الهی اجرا می‌گردد.[۱۰۲] امام زمان با ارائهٔ دو راه‌برد فرهنگی و اجرای حدود الهی، روابط اجتماعی را در مســیر درســت آن جای خواهند داد.

تعاون اجتماعی

براســاس آموزه‌های دینی، حقّ و تکلیف دو روی یک ســکه‌اند، بدین معنا که از یک ســو همه بر گــردن یک‌دیگر حــقّ دارند و از ســوی دیگر در قبال هم‌دیگر مســئول و مکلّف هســتند.[۱۰۳] از این رو، اســلام در طرحی نو پس از شــکل‌گیری جامعهٔ اســلامی در مدینة الرســول، همهٔ مسلمانان را برادر معرفی کرد[۱۰۴] و از مسلمانان خواست که دوبه‌دو با یک‌دیگر عقد اخوت و برادری بخوانند. اعلام اخوت اسلامی طرح شعاری بی‌محتوا نبود،

از مواردی که حضرت با نگاهی فرهنگی به مبارزه با ناهنجاری‌های اخلاقی پرداخته‌اند، مفاد پیمان‌نامه‌ای است که حضرت با یاران خود می‌بندند. در بندهایی از این پیمان نامه امام زمان از یاران خود پیمان می‌گیرد که از انحرافات جنسی چون زنا و لواط بپرهیزند و حریم‌های خصوصی افراد را پاس دارند

بلکه واقعیت‌های زندگی اجتماعی را می‌نمود که اسلام با واقع‌بینی و ژرف‌نگری خود شهروند جامعهٔ اسلامی را به آن ترغیب کرد؛ زیرا انسان موجودی اجتماعی است که بدون یاری گرفتن از دیگران نمی‌تواند بسیاری از نیازهای خود را برآورده کند. از این رو، اسلام برای سامان‌دهی به این نیاز اعضای جامعهٔ اسلامی را به تعاون و تکافل اجتماعی توصیه می‌کند.

هرچند این الگوی کامل پس از رحلت پیامبر اسلام □ کم کم کم‌رنگ شده و در روزگار پیش از ظهور، از جامعهٔ انسانی رخت برخواهد بست، در روزگار پس از ظهور و حضور امام زمان □ دوباره احیا و اصلاح خواهد شد، به گونه‌ای که شیوهٔ غالب در روابط اجتماعی، برابری و برادری خواهد بود. این برادری به میزانی خواهد رسید که فرد در برابر برادر دینی خود احساس تعهد و مسئولیت می‌کند و فقر و ناداری و مشکلات او را پذیرا می‌شود. روایات ضمن نکوهش الگوهای ناقص برادری در دورهٔ پیش از ظهور، به الگوی کامل آن در روزگار حکومت امام زمان □ اشاره کرده‌اند. عده‌ای از شیعیان خدمت امام باقر □ آمدند و گفتند عدهٔ ما در کوفه زیاد است، اگر شما هر فرمانی بدهی، اطاعت خواهند کرد. (به عبارتی از امام خواستند که قیام کنند.) امام □ فرمودند: آیا چنین است که اگر یکی از آنان نیازی داشته باشد، بیاید و آن‌چه نیاز دارد از جیب دیگری بردارد؟ گفتند: نه! امام □ فرمود: پس این گروه (که در راه دادن مال به یک‌دیگر این‌گونه بخل می‌ورزند) برای دادن خون خویش (در راه اصلاح جامعه) بخیل‌تر خواهند بود. آن‌گاه حضرت فرمود: مردم هم‌اکنون (که حکومت در دست ما نیست) آسوده‌اند؛ از مردم همسر می‌گیریم، از یک‌دیگر ارث می‌بریم، حدود الهی را اقامه می‌کنیم، امانت را بازمی‌گردانیم (یعنی زندگی مردم در همین حدّ است)، اما به هنگام رستاخیز قائم، آن‌چه هست، هم‌ترازی (مزامله) است تا آن‌جا که هرکس، هرچه نیاز داشته باشد از جیب دیگری بدون هیچ مانعی برمی‌دارد.[۱۰۵] مزامله به معنای رفاقت و دوستی خاص و بی‌پیرایه است. این الگو را می‌توان متعالی‌ترین الگو در روابط اجتماعی دانست. الگویی نو که در آن انسان از محدود خواسته‌های شخصی و بستگی‌های مادی بگذرد و محبت و دوستی خالص معیار در پیوندهای اجتماعی گردد.

نتیجه

امام زمان □ در تلاش برای اصلاح روابط اجتماعی، ابتدا و به صورت بنیادین به اصلاح اندیشهٔ انسان‌ها همت خواهند گماشت. از آن‌جا که اندیشهٔ انسان‌ها در جهت‌گیری‌های رفتاری آنها تأثیرگذار است، با اصلاح خرد و بینش افراد به رفتارهای بهنجار و گرایش‌های درست آنها در روابط اجتماعی، شکل خواهند داد. زندگی در آن روزگار براساس تربیت است. در عصر او مردم آن‌گونه رشد و پرورش خواهند یافت که رسول خدا □ اصحاب ویژه خود را می‌پروراند. در چنین جامعه‌ای که عقلانیت در اوج است و اخلاق اسلامی به همهٔ کنش‌ها رنگ و بوی الهی داده، روابط اجتماعی پایدار، عواطف انسانی قوی، انگیزه‌ها خدایی و جامعه مصون از کج‌روی و فساد خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

* عضو گروه جامعه‌شناسی و مهدویت پژوهشکدهٔ مهدویت.

۱ . محمدبن ابراهیم النعمانی، ***الغیبة***، تحقیق علی‌اکبر غفاری، ص۲۳۵، انتشارات مکتبة الصدوق، تهران، [بی‌تا].

۲ . ***همان***، ص۱۳۰.

۳ . حسن عمید، ***فرهنگ عمید***، ص۱۸۰، انتشارات امیرکبیر، تهران، [بی‌تا].

۴ . سورهٔ نساء، آیهٔ ۱۴.

۵ . سورهٔ هود، آیهٔ ۸۸.

۶ . احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، ***دایرة المعارف تشیع***، ج۳، ص۲۲۹، انتشارات سازمان دایرة المعارف تشیع، تهران ۱۳۶۸ شمسی.

۷ . مرتضی مطهری، ***بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر***، ص۶ انتشارات صدرا، تهران ۱۳۶۷شمسی.

۸ . محمدتقی مصباح یزدی، ***اصلاحات؛ ریشه‌ها و تیشه‌ها***، ص۱۳، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی□، قم ۱۳۸۲شمسی.

۹ . محمد حکیمی، ***اصلاحات***، ص۷ ـ ۸، نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۸۱شمسی.

۱۰ . محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ***الخصال***، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ص۵۷۰، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، [بی‌تا].

۱۱ . سورهٔ هود، آیهٔ ۸۸.

۱۲ . سورهٔ اعراف، آیهٔ ۵۶.

۱۳ . سورهٔ بقره، آیهٔ ۶۰.

۱۴ . سورهٔ اعراف، آیهٔ ۷۴؛ سورهٔ هود، آیهٔ ۸۵؛ سورهٔ شعرا، آیهٔ ۱۸۳؛ سورهٔ عنکبوت، آیهٔ ۳۶.

۱۵ . سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۱ ـ ۱۲.

۱۶ . شیخ حر عاملی، ***وسائل الشیعة***، تصحیح محمد الرازی، ج۱۸، ص۱۵۵، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، [بی‌تا].

۱۷ . عبدالحسین نیک‌گهر، ***مبانی جامعه‌شناسی***، ص۱۵۹، نشر رایزن، تهران ۱۳۶۹شمسی.

۱۸ . ***همان***، ص۱۶۰ ـ ۱۶۱.

۱۹ . عماد افروغ، ***فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی***، ص۳۳، انتشارات فرهنگ دانش، تهران ۱۳۷۹شمسی.

۲۰ . محمدباقر مجلسی، ***بحار الانوار***، ج۵۱، ص۱۲۲، انتشارات موسسة الوفاء، بیروت، [بی‌تا].

۲۱ . ***الغیبة*** (نعمانی)، ص۲۰۶.

۲۲ . ***همان***، ص۲۳۵.

۲۳ . ***همان***، ص۳۲۱.

۲۴ . ***بحار الانوار***، ج۵۲، ص۲۵۶.

۲۵ . نجم‌الدین طبسی، ***نشانه‌ای از دولت موعود***، ص۳۵، انتشارات بوستان کتاب، قم ۱۳۸۵شمسی.

۲۶ . ***بحار الانوار***، ج۵۲، ص۳۸۰.

۲۷ . ***همان***، ص۲۵۹.
۲۸ . لطف‌الله صافی گلپایگانی، ***منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر***، ص۴۳۱، منشورات مکتبة الصدراء، تهران، [بی‌تا].
۲۹ . ***بحار الانوار***، ج۷۱، ص۹۴.
۳۰ . ***نشانه‌ای از دولت موعود***، ص۳۵.
۳۱ . ***بحارالانوار***، ج۵۲، ص۲۵۶.
۳۲ . ***همان***، ج۵۱، ص۴۹.
۳۳ . ***الغیبة*** (نعمانی)، ص۲۳۵.
۳۴ . ***بحار الانوار***، ج۵۲، ص۱۹۳.
۳۵ . ابی‌محمد حسن بن فضل طبرسی، ***مکارم الاخلاق***، ص۴۵۰، انتشارات شریف رضی، بیروت ۱۳۹۲قمری.
۳۶ . ***منتخب الاثر***، ص۴۲۴.
۳۷ . ***همان***، ص۴۳۳.
۳۸ . آنتونی گیدنز، ***جامعه‌شناسی***، ترجمه منوچهر صبوری، ص۱۴۹، نشر نی، تهران ۱۳۷۶شمسی.
۳۹ . هدایت الله ستوده، ***آسیب‌شناسی اجتماعی؛ جامعه‌شناسی انحرافات***، ص۳۱، نشر آوای نور، تهران ۱۳۷۶شمسی.
۴۰ . ***منتخب الاثر***، ص۴۲۶.
۴۱ . ***همان***، ص۴۲۴ و ۴۲۹.
۴۲ . ***همان***، ص۴۲۹.
۴۳ . ***همان***، ص۴۲۶.
۴۴ . ***همان***، ص۴۳۰.
۴۵ . ***همان***، ص۴۳۳.
۴۶ . ***همان***، ص۴۲۹.
۴۷ . ***همان***، ص۴۳۰.
۴۸ . شیخ صدوق، ***کمال الدین و تمام النعمه***، تعلیق علی‌اکبر غفاری، ص۳۳۱، موسسه النشر الاسلامی، قم ۱۴۰۵قمری.
۴۹ . ***بحارالانوار***، ج۵۲، ص۲۵۷.
۵۰ . شیخ صدوق، ***من لایحضره الفقیه***، تحقیق علی‌اکبرغفاری، ج۳، ص۳۹۰، انتشارات جامعه مدرسین، قم ۱۳۶۳شمسی.
۵۱ . ***بحار الانوار***، ج۵۲، ص۲۵۷.
۵۲ . علی کورانی، ***معجم احادیث الامام المهدی*** □ ، ج۲، ص۲۱۶، انتشارات مؤسسة المعارف الاسلامیة، قم ۱۴۱۱قمری.
۵۳ . ***همان***، ص۲۱۹.
۵۴ . محمد بن محمد الحاکم النیسابوری، ***المستدرک علی الصحیحین***، تحقیق یوسف مرعشی، ج۴، ص۴۹۵، انتشارات دارالمعرفة، بیروت ۱۴۰۶قمری.
۵۵ . ***بحار الانوار***، ج۵۲، ص۲۵۸.
۵۶ . میرزاحسین طبرسی نوری، ***مستدرک الوسائل***، ج۱۱، ص۳۸۰، انتشارات موسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم ۱۴۰۸قمری.
۵۷ . ***بحار الانوار***، ج۵۲، ص۲۶۳.
۵۸ . ***مکارم الاخلاق***، ص۵۲۵.
۵۹ . ***منتخب الاثر***، ص۴۲۹ و۴۳۱.
۶۰ . ***کمال الدین و تمام النعمة***، ص۵۲۵.
۶۱ . محمّد بن الحسین الموسوی (الشریف الرضی)، ***نهج‌البلاغه***، ترجمه سید جعفر شهیدی، خطبه ۱۰۷، چاپ چهاردهم: انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۸شمسی.
۶۲ . ***بحار الانوار***، ج۱، ص۱۱۶.
۶۳ . ناصر مکارم شیرازی، ***تفسیر نمونه***، ج۴، ص۴۴۴، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۹شمسی.
۶۴ . ***نهج‌البلاغه***، خطبه ۱.
۶۵ . ***بحار الانوار***، ج۵۲، ص۳۳۶.
۶۶ . ***تفسیر نمونه***، ج۸، ص۲۳۳.
۶۷ . سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۶۴.
۶۸ . ***بحار الانوار***، ج۵۲، ص۳۳۷.
۶۹ . محمد حکیمی، ***عصر زندگی***، ص۵۲، چاپ اوّل: انتشارات بوستان کتاب، قم ۱۳۸۱شمسی.
۷۰ . ***بحار الانوار***، ج۵۱، ص۷۵.
۷۱ . ***همان***، ص۸۴.
۷۲ . ***همان***، ج۵۲، ص۳۳۶.
۷۳ . ***فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی***، ص۶۵.
۷۴ . سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۶۴.
۷۵ . سورهٔ انفال، آیهٔ ۱۰۳.
۷۶ . ***بحار الانوار***، ج۵۱، ص۱۱۵.
۷۷ . محمد بن یعقوب کلینی، ***اصول کافی***، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ج۱، ص۳۱۴، انتشارات دارالکتب الاسلامیة، تهران ۱۳۸۸قمری.
۷۸ . شیخ عباس قمی، ***مفاتیح الجنان***، ص۸۷۶، انتشارات دلیل، قم ۱۳۷۸شمسی.
۷۹ . ***همان***، ص۲۲۹.
۸۰ . ***بحار الانوار***، ج۵۱، ص۸۴.
۸۱ . ***الغیبة*** (نعمانی)، ص۲۰۶.
۸۲ . ***همان***.
۸۳ . ***بحار الانوار***، ج۵۳، ص۴.
۸۴ . ***همان***، ج۵۲، ص۳۱۶.
۸۵ . ***همان***، ج۵۱، ص۹۳.
۸۶ . ***مفاتیح الجنان***، ص۲۹۹.
۸۷ . ***همان***، ص۲۰۶.
۸۸ . ***عصر زندگی***، ص۴۲.
۸۹ . ***کمال‌الدین و تمام النعمة***، ص۳۷۲.
۹۰ . احمد بن علی طبرسی، ***الاحتجاج***، تحقیق سیدمحمدباقر خرسان، ج۱، ص۱۳۴، انتشارات دارالنعمان، نجف ۱۳۸۶قمری.
۹۱ . ***معجم احادیث الامام المهدی*** □ ، ج۳، ص۱۶۷.
۹۲ . ***مفاتیح الجنان***، ص۸۸۵.
۹۳ . ***بحار الانوار***، ج۵۲، ص۳۴۵.
۹۴ . ***معجم احادیث الامام المهدی*** □ ، ج۱، ص۲۴۶.
۹۵ . محمد بن یزید القزوینی (ابن‌ماجه)، ***السنن***، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، ج۲، ص۱۳۶۷، انتشارات دارالفکر، بیروت، [بی‌تا].
۹۶ . ***معجم احادیث الامام المهدی*** □ ، ج۱، ص۲۴۷.
۹۷ . ***بحار الانوار***، ج۵۱، ص۸۲.
۹۸ . ***معجم احادیث الامام المهدی*** □ ، ج۱، ص۲۴۰.
۹۹ . علی بن موسی حلّی (ابن‌طاووس)، ***الملاحم و الفتن فی ظهور النائب المنتظر***، ص۱۴۹، منشورات الرضی، قم ۱۳۹۸قمری.
۱۰۰ . سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۷۹.
۱۰۱ . ***بحار الانوار***، ج۵۳، ص۱۹۰.
۱۰۲ . ***من لایحضره الفقیه***، ج۲، ص۱۱.
۱۰۳ . ابن‌حجاج، ***الجامع الصحیح***، ج۶، ص۸، انتشارات دارالفکر، بیروت، [بی‌تا].
۱۰۴ . سورهٔ حجرات، آیهٔ ۱۰.
۱۰۵ . ***بحار الانوار***، ج۵۲، ص۳۷۲.